

ارائه چارچوب ریخت‌شناسانه دیده‌بانی فرهنگی با کاربری مفاهیم آینده‌پژوهی*

جابر مقدم‌پور^۱، فرهاد درویشی سه‌تانی^۲، حاکم قاسمی^۳، عین‌الله کشاورز ترک^۴

چکیده

در جمهوری اسلامی ایران، بالندگی فرهنگ و مراقبت از آن مورد تأکید قرار دارد و در این عرصه آنچه مهم جلوه می‌نماید، کاربری مفاهیم آینده‌پژوهانه در فعالیت‌های دیده‌بانی فرهنگی است. چرا که دیده‌بانی فرهنگی متضمن «پیش‌نشانه‌های تحولات فرهنگی»، «شناسایی بهنگام موضوعات پیش‌برنده و بازدارنده فرهنگی»، «پایش و مسئله‌شناسی فرهنگی» و «پشتیبانی از آینده‌نگاری و سیاست‌گذاری فرهنگی» است؛ مفاهیمی که در فعالیت‌های موسوم به رصد فرهنگی در کشور، آنچنان که باید، مورد توجه قرار نگرفته‌اند. در پژوهش حاضر، با تبیین مولفه‌های کلیدی دیده‌بانی و همچنین مختصات فرهنگ در جمهوری اسلامی ایران، چارچوب ریخت‌شناسانه دیده‌بانی فرهنگی ارائه شده است تا بستری برای فعالیت‌های دیده‌بانی سازمان‌های فرهنگی فراهم آورد. پژوهش حاضر، روش ریخت‌شناسی که روشی کیفی است را به کار گرفته است؛ تحلیل ریخت‌شناسانه برای ساختاردهی موضوعات چندبعدی و غیرکمی کاربرد دارد و بر فضای پارامترها و وضعیت‌های آن‌ها- به جای تأکید بر روابط علی- تأکید دارد. مطابق روش مذکور، با کاوش ادبیات (متن‌کاوی) و تشکیل گروه خبره ۵ نفره و گفتگوهای تخصصی، ۱۵ پارامتر برای چارچوب ریخت‌شناسانه دیده‌بانی فرهنگی طراحی شده است و

* مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری با موضوع طراحی مدل فرایندی دیده‌بانی فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران است.

۱. دانشجوی دکتری آینده‌پژوهی، دانشگاه بین‌المللی امام‌خمینی^(ره) (نویسنده مسئول)
(j.moghaddampour@edu.ikiu.ac.ir)
(farhaddarvishi222@yahoo.com)
۲. دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام‌خمینی^(ره)
(ghasemi20@yahoo.com)
۳. دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام‌خمینی^(ره)
(a.keshavarz@gmail.com)
۴. استادیار دانشگاه بین‌المللی امام‌خمینی^(ره)

وضعیت‌های آن‌ها ذیل پارامترهای محتوا و کارکرد (سطوح فرهنگ، عناصر فرهنگ، بافتار پویا، ابعاد و مولفه‌های کلیدی، محصولات و خروجی‌ها و کارکرد پشتیبانی) و پارامترهای قالب (نوع انجام فعالیت، گام‌های اصلی، دامنه، رویکرد انجام، تناوب انجام، افق زمانی، منابع، روش کلی و کاربر) ارائه شده است. زمینه ریخت‌شناسانه دیده‌بانی فرهنگی به منظور انتخاب مسیرها برای انجام دیده‌بانی فرهنگی، گزینه‌هایی را بر اساس پارامترها و ارزش‌ها ارائه می‌کند. انتخاب این گزینه‌ها به اهداف مد نظر و نیازهای کاربران بستگی دارد.

واژگان کلیدی: افق‌پویی، فرهنگ اسلامی ایرانی، تجزیه و تحلیل ریخت‌شناسانه، آینده‌نگاری

فرهنگی.

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی ♦ سال هفتم ♦ شماره بیست و هفتم ♦ تابستان ۹۷ ♦ صص ۴۵-۷

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۱۲/۱۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۴/۲۰

مقدمه

از دهه‌های پس از انقلاب اسلامی اگرچه در اثر کارگشایی‌های فرهنگ انقلاب توانسته‌ایم امواج و انوار جدیدی از خزائن فرهنگی را متأثر از مبانی انقلاب اسلامی ایجاد کنیم؛ اما این مهم در کمتر دوره‌ای با آرامش مطلوب فرهنگی و فروغ دلخواه در این پهنه و عرصه همراه و یار شده است (مقتدایی، ۱۳۸۷)؛ چراکه برنامه‌ریزی برای آینده فرهنگ بر پایه نیازها و یا کمبودهای فرهنگی فعلی سرمایه مناسبی جهت حضور موفق در جامعه فرهنگی آینده نیست و برای ایفای نقش موثر در شکل بخشیدن به فرهنگ آینده ضرورت دارد با اتکا به مبانی آینده‌پژوهی، به شکل جدی تغییرات و تحولات فرهنگی آینده را شناسایی کنیم تا بتوان هر چه بیشتر جامعه را به سوی الگوی مناسب فکری و فرهنگی رهنمون ساخت (کشاوری ترک، ۱۳۹۴). می‌توان گفت اگر هرچه زودتر و شفاف‌تر رویدادهای آینده را ببینیم، بهتر قادر خواهیم بود که از طریق تغییر نسخه‌های فعلی، به سوی موفقیت گام برداریم و تصمیمات بهتری اتخاذ کنیم (Gordon, 2008). در راستای کنترل آینده فرهنگ و آمادگی در برابر مخاطرات و فرصت‌ها در عرصه فرهنگ، از موارد حائز اهمیت، بایسته و ضروری، «دیده‌بانی فرهنگی» است. این مفهوم در جمهوری اسلامی ایران؛ چالش‌هایی در عرصه نظر و عمل به همراه دارد؛ اساسی‌ترین چالش، آشفتگی مفهومی و بعد دوری آن از مفاهیم آینده‌پژوهی و محدود شدن به «انجام پایش وضع موجود فرهنگ» در فعالیت‌های موسوم به «رصد فرهنگی» در کشور است؛ مفهوم رصد از بطن فعالیت‌های آینده‌پژوهانه پدیدار گشته است. اما در وضعیت کنونی کشور در فضای مفهومی و تئوریک آن، آشفتگی وجود دارد؛ این در حالی است که مفهوم دیده‌بانی ماهیتاً بن‌مایه آینده‌پژوهی دارد و تبیین مناسب‌تری از مفهوم آن با کاربرست مفاهیم آینده‌پژوهی ضروری می‌نماید تا بستری برای اثربخشی فعالیت‌های فرهنگی نهادهای متولی امر فرهنگ فراهم نماید. زمینه طرح مسئله از اینجا بروز می‌یابد که علیرغم وجود دستگاه‌های متولی امر فرهنگ در کشور و هم‌چنین رو به توسعه بودن تأسیس مراکز و نهادهای دیده‌بانی

فرهنگی با هدف دیده‌بانی و مراقبت از فرهنگ ایرانی اسلامی، نگاه آینده‌پژوهانه در فعالیت‌های رصد فرهنگی کمرنگ بوده و فقدان چارچوبی ریخت‌شناسانه برای دیده‌بانی فرهنگی برای کمک به شناخت شالوده مفهومی آن، به شدت احساس می‌شود. با این اوصاف، سوال اصلی تحقیق بدین گونه مطرح می‌شود که پارامترها و وضعیت‌های چارچوب ریخت‌شناسانه دیده‌بانی فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران چیست؟

ضرورت مراقبت از فرهنگ، کمرنگ بودن نگاه آینده‌پژوهانه در خصوص رصد فرهنگی و عدم وجود چارچوبی مفهومی برای آن ایجاب می‌کند تا توجه جدی‌تری به این عرصه مبذول شود. در این راستا و با توجه به سوال اصلی تحقیق یکی از اقدامات مهم، طراحی چارچوب ریخت‌شناسانه دیده‌بانی فرهنگی است که می‌تواند پشتوانه نظری دیده‌بانی فرهنگی در عرصه عمل باشد. بنابراین در راستای ایجاد بستری برای انجام دیده‌بانی فرهنگی توسط نهادهای متولی امر فرهنگ در کشور، هدف اصلی تحقیق حاضر دستیابی به چارچوب ریخت‌شناسانه دیده‌بانی فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران می‌باشد تا به کارآمدی و اثربخشی فعالیت‌های دیده‌بانی فرهنگی دستگاه‌ها و نهادهای متولی امر فرهنگ در کشور کمک نماید. به منظور تحقق هدف اصلی پژوهش، اهداف فرعی به شرح ذیل تعریف می‌گردد:

۱. واکاوی و تبیین مفهوم دیده‌بانی و مولفه‌ها و اجزای آن؛

۲. تعریف دیده‌بانی فرهنگی با تأکید بر ادبیات آینده‌پژوهی؛

۳. شناخت پارامترهای فرهنگی و ابعاد آن‌ها با رویکرد ریخت‌شناسانه؛

با توجه به اهداف فوق، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سوالات است که مفهوم دیده‌بانی و مولفه‌های آن چیست؟ تعریف دیده‌بانی فرهنگی چیست؟ و با رویکرد ریخت‌شناسانه، دیده‌بانی فرهنگی چه ابعادی دارد و وضعیت‌های هر یک از ابعاد کدامند؟

۱. مفاهیم و مبانی نظری پژوهش

پیش از پرداختن به موضوعاتی که بن‌مایه آینده‌پژوهی دارند، تأمل در مبانی و مفاهیم کلیدی مرتبط با حوزه آینده‌پژوهی ضروری می‌نماید. فضای کیفی حاکم بر روش ریخت‌شناسی نیز ضرورت کاوش عمیق‌تر ادبیات پژوهش - نسبت به آنچه در پژوهش‌ها مرسوم است - را دوجندان می‌نماید؛ لذا ورود به مقوله دیده‌بانی فرهنگی مستلزم واکاوی مفاهیم مرتبط با آن در حوزه آینده‌پژوهی و فرهنگ می‌باشد. از این روی در ابتدا مفهوم

دیده‌بانی در آینده‌پژوهی تشریح شده و کارکردها، رویکردها، روش‌ها و منابع آن تبیین و مولفه‌های دیده‌بانی مورد بررسی قرار گرفته است؛ پس از آن مفهوم فرهنگ، مختصات، عناصر و سطوح آن در جمهوری اسلامی ایران ارائه گردیده تا فتح بابی باشد برای پرداختن به مفهوم دیده‌بانی فرهنگی و ارائه زمینه ریخت‌شناسانه آن.

۱-۱. مفهوم دیده‌بانی در آینده‌پژوهی

آینده‌پژوهی دانشی است در پی شناسایی، ابداع، ارائه، آزمون و ارزیابی آینده‌های ممکن و محتمل است تا بر پایه ارزش‌های جامعه آینده‌های مرجح را انتخاب و برای شکل بخشیدن به مطلوب‌ترین آینده کمک کند (Bell, 2003). در آینده‌پژوهی از انواع آینده‌ها سخن گفته می‌شود و برخلاف رویکرد واقع‌گرایانه این اعتقاد که یک پیش‌بینی خوب، یک پیش‌بینی لزوماً درست است، وجود ندارد. در واقع پیش‌بینی خوب، پیش‌بینی‌ای است که روندها و موضوعات نوآیند و رویدادهای بالقوه را شناسایی و سپس معرفی می‌کند (Gordon, 2008)؛ در واقع برای اثربخش بودن در یک دنیای پیچیده و متغیر، تصمیم‌گیرندگان باید به دنبال پیش‌بینی روندها، موضوعات، فرصت‌ها و تهدیدهای نوآیند باشند. آن‌ها نیازمند توسعه و استفاده از آینده‌نگاری راهبردی و افزایش توانایی برای ایجاد و حفظ نگرش آینده‌نگر می‌باشند (Slaughter, 1999). مهم است به سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان درباره فرصت‌های جدید و آتی و همچنین تهدیدها آگاهی داده شده و آن‌ها را برای تغییرات شدید، شوک‌ها و شگفتی‌ها و... آماده ساخت. یک ابزار مناسب برای این هدف «دیده‌بانی» است (Amanatidou et al, 2012).

دیده‌بانی ابزاری برای کمک به سیاست‌گذاران برای توسعه و حفظ نگرش آینده‌نگری مورد نیاز آنان است. این امر که با فعالیت‌هایی همچون افق‌پویی، پویش محیط، پایش و... شناخته می‌شود را می‌توان به طور کلی اکتساب و استفاده از اطلاعات درباره تغییرات و تحولات، رویدادها، روندها و... در محیط تعریف کرد و این دانشی است که به برنامه‌ریزی اقدامات آتی کمک خواهد کرد (Choo, 2002). آینده‌پژوهان همواره به دنبال تشخیص حتی ضعیف‌ترین نشانه‌های تغییر هستند. این نشانه‌ها بیانگر این هستند که چه تحول‌ها و روندهای جدیدی در پیش است و احتمالاً آینده آستان چه رویدادهایی خواهد

بود. به طور کلی، تلاش‌هایی که متضمن کشف تغییرها و تحول‌ها باشد، به دیده‌بانی^۱ موسوم است (ملکی‌فر، ۱۳۸۶) که فعالیت‌های کلیدی آن شامل پویش (افق یا محیط) و پایش است.

۱-۱-۱. افق‌پویی^۲ و پویش محیط

در حالی که سرمنشأهای فکری افق‌پویی را می‌توان در کار اثرگذار آنسوف (۱۹۷۵) در خصوص شناسایی نشانک‌های ضعیف دنبال کرد اما این عبارت در انگلستان و بعد از هزاره معروف و نهادینه شده است (Schultz, 2006). تعاریف زیادی از افق‌پویی وجود دارند که طی سال‌ها ارایه شده‌اند، ولی تعاریفی وجود دارند که پرکاربردتر می‌باشند. به زعم مایلز و ساریتاس (۲۰۱۲) تعریف ارائه شده از افق‌پویی توسط دولت انگلستان به طور گسترده در این کشور و اروپا کاربرد دارد. (DEFRA)^۳ افق‌پویی را در سال ۲۰۰۲ این‌گونه تعریف کرده است: ارزیابی نظام‌مند تهدیدها و فرصت‌های بالقوه و تحولات محتمل آینده که در حاشیه تفکر و برنامه‌ریزی جاری قرار دارند - در عین حال، غیر محدود به مواردی است که در مرزهای تفکر و برنامه‌ریزی فعلی ماست - . افق‌پویی می‌تواند موضوعات بدیع و غیرمنتظره و همچنین موضوعات و روندهای پایدار و باثبات را کاوش نماید. ونریج با بهره‌گیری از تعاریف مرکز افق‌پویی آینده‌نگاری انگلستان و مرکز افق‌پویی هلند^۴، افق‌پویی را اینگونه تعریف کرده است: ارزیابی نظام‌مند مسائل، تهدیدها، فرصت‌های بالقوه آینده و تحولات محتمل آتی که در مرز تفکرات و برنامه‌ریزی‌های جاری است. افق‌پویی می‌تواند موضوعات بدیع و غیرمنتظره و همچنین مسایل، روندها و نشانک‌های ضعیف را واکاوی نماید. به طور کلی، هدف از افق‌پویی، بهبود پابرجایی سیاست‌ها و شناسایی شکاف‌ها در دانش است (Van Rij, 2008, 2010a, 2010b). یکی از جدیدترین تعاریف افق‌پویی را کیولس و همکاران در سال ۲۰۱۵ ارائه داده‌اند: افق‌پویی، چشم داشت نظام‌مند به منظور شناسایی علائم اولیه تحولات مهم بالقوه می‌باشد. این علائم می‌تواند، نشانک‌های ضعیف یا اولیه، روندها، شگفتی‌سازها یا دیگر تحول‌ها، مسائل پایدار و باثبات، ریسک‌ها و

1. Observation / Observatory

2. Horizon Scanning

3. UK Department for Environment, Food and Rural Affairs

4. UK Foresight Horizon Scanning Centre (HSC) / Horizon scan Netherlands

تهدیدها و مشتمل بر موضوعاتی در مرز اندیشه‌های فعلی باشند که فرضیه‌های گذشته را به چالش می‌کشند. افق پویی در افق زمانی تحت مطالعه در جستجوی تعیین آنچه باثبات است، آنچه ممکن است تغییر کند و آن چه به طور مستمر در حال تغییر است، می‌باشد (Cuhls et al, 2015).

عبارت پویش معمولاً به مشاهدات منظم و مکرر یک محیط یا نهاد اطلاق می‌شود که با هدف تشخیص و شناسایی پدیده‌هایی که به دلایلی نیازمند بررسی دقیق‌تر هستند، انجام می‌گیرد (Van Rij, 2008). پویش محیطی^۱، شناسایی و بررسی نظام‌مند موضوعات مرتبط به زمینه مورد علاقه یا نگرانی^۲ می‌باشد که لزوماً مسائل در حال ظهور (نوآیند) یا غیر منتظره نیستند، پویش محیطی ممکن است بر یک بازه بسیار کوتاه مدت تمرکز داشته باشد. افق پویی معمولاً بر پدیده‌هایی با ویژگی‌های نو و بدیع تأکید دارد. البته نباید گفته شود که افق پویی همیشه به دنبال موارد مبهم و موضوعات ناشناخته است؛ انواع موضوعاتی که معمولاً در افق پویی مورد توجه قرار می‌گیرند، به طور معمول از فیلترهای یک فرایند پویش محیطی عبور خواهند کرد؛ به هر حال افق پویی، باید ناشناخته‌ها را آشکار سازد (Miles and Saritas, 2012). در یگر^۳ (۲۰۱۱) معتقد است افق پویی و پویش محیطی دو واژه در ظاهر قابل جایگزین با یکدیگر هستند و حتی آینده‌پژوهان اغلب در مورد چگونگی کاربرد آن مردد هستند. وی بیان می‌دارد به عنوان یک پویشگر احساس می‌کنم بین آن‌ها تفاوت وجود دارد؛ پویش محیطی تنها به معنی جستجوی آنچه اکنون در حال اتفاق افتادن است و پیامدهای فوری و بدون درنگ آن می‌باشد. اما پویش افق جستجوی گسترده‌تر پیامدهای احتمالی آنچه اکنون در حال اتفاق افتادن است و جستجوی نشانک‌های ضعیف برای فهم اینکه چگونه چیزها ممکن است در آینده تغییر کنند، می‌باشد. وی بیان می‌دارد اگر من بخواهم آنچه که انجام می‌دهم را توصیف کنم، ترجیح خواهم داد بگویم من یک پویشگر افق هستم، زیرا پویش محیطی بسیار محدود است؛ در حقیقت هر پویشگر خوب هر دو را انجام می‌دهد. البته تا حد زیادی برای هر شخصی خارج از زمینه آینده‌نگاری، غیر ضروری است نگران این تفاوت که عمدتاً معنایی است، شود.

1. Environmental Scanning

2. The topic of concern

3. Draeger

۱-۱-۲. پایش

متمایز نمودن افق پویی و سیستم‌های هشداردهنده اولیه مبتنی بر پایش^۱، حائز اهمیت است. پایش^۲، بخشی از فرایند هشدار استراتژیک است. پایش موضوع‌ها، اجازه خواهد داد تا بتوانیم مسائل مخاطره‌آمیز را شناسایی کنیم. پایدن (نظارت) مسائل از طریق مدل‌ها و شاخص‌های مناسب انجام می‌شود. پایش منجر به جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز - که بر اساس مدل‌ها و شاخص‌های مرتبط تعریف می‌شود - خواهد شد؛ پایش یک موضوع و نظارت و پایدن یک مسئله، ممکن است با انتخاب از میان علائم موضوعات جدید و در حال ظهور آغاز شود. اگر کاوش موضوعی را شروع کنیم - حتی در بی‌قاعده‌ترین شکل - به منظور انجام آن نیاز به داشتن یک ایده - اگرچه حداقلی - از آنچه که در جستجوی آن هستیم داریم. آنچه که اتفاق می‌افتد این است که ناخودآگاه بر یک مدل شناختی اتکا می‌کنیم که این مدل شناختی، ضمنی است. در واقع، به منظور پویش افق، ما از پایش از یک مدل استفاده می‌کنیم، حتی اگر بسیار ناقص باشد. پایش نیز ریشه در یک مدل دارد، اما یک مدل که صریح ساخته شده و با فرایند تحلیل، بهبود یافته و تصحیح شده است. می‌توان گفت پایش و پویش، مشابه هستند و تفاوتشان در تعالی و پیشرفته بودن مدلی است که مورد استفاده قرار گرفته است، نه در فرایند واقعی به کار گرفته شده به منظور انجام پویش و پایش. از این رو، پویش و پایش می‌توانند اغلب ابزار و پشتیبانی مشابهی را به کارگیرند. البته تفاوت در این است که وقتی هدف نشانک‌ها از طریق پویش شناسایی موضوعات و فراموضوعات نوآیند است، پایش یک موضوع و نظارت و پایدن یک مسئله، ممکن است با انتخاب از میان نشانک‌های موضوعات جدید و نوآیند آغاز شود (Lavoix, 2012).

پایش، رویه‌ای روش‌شناختی است که با هدف ارزیابی رویدادهای در حال شکل‌گیری، همزمان با روی دادن یا در کوتاه‌ترین زمان ممکن پس از آن انجام می‌پذیرد. بسیاری از سامانه‌های پایش گر^۳، اغلب برای آینده بسیار نزدیک پدیده‌های پایش شده، پیش‌بینی‌های دائمی یا متناوب ارائه می‌کنند. پایش اگر به شایستگی اجرا شود، روشی - بالقوه - معتبر برای پژوهش درباره پدیده‌هایی است که به نحوی آینده را تحت تأثیر قرار

1. Surveillance-Based Early Warning Systems

2. Monitoring

3. Monitoring System

می‌دهند. برخی پدیده‌ها به دلیل ارتباطی که با رفاه و اهداف بشر دارند، همواره مورد توجه انسان‌ها بوده‌اند؛ به علاوه در برخی پدیده‌ها پایش در چنین مواردی بسیار سودمند و مناسب خواهد بود. قلمرو این اقدام‌ها بسیار گسترده است؛ از حفظ و سازگاری تا مداخله فعالانه برای ایجاد تغییر در پدیده‌ها (به منظور سودمند نگه داشتن آن‌ها یا حفظ آن‌ها در مسیر تغییر مطلوب). پویش برخی جنبه‌های پایش را نیز در بردارد و خود در حال تبدیل به روشی جداگانه است (بل، ۱۳۹۶).

۱-۳. دیده‌بانی به مثابه ابزار سیاستگذاری و بخشی از فرایند آینده‌نگاری

در یک دیدگاه محدود، دیده‌بانی نمایانگر یک ابزار سیاستگذاری است که هدف آن عبارت است از گردآوری نظام‌مند دامنه گسترده‌ای از اطلاعات و شواهد در زمینه موضوعات نوآیند، روندها، تحولات، ایده‌ها و رویدادها در یک محیط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، تکنولوژیکی یا اکولوژیکی. از یک منظر گسترده‌تر، افق‌پویی مفهومی برای فعالیت‌های آینده‌نگاری است که هدف آن، ارتقاء قابلیت‌های سازمان‌ها در مواجهه با یک آینده غیرقطعی و پیچیده می‌باشد (Habegger, 2009). در واقع کارکرد نخست عبارت از «آگاهی‌بخشی سیاست» از طریق ارائه دانش و ایده‌های جدیدی است که منجر به یک خروجی ملموس از قبیل گزارش، خلاصه خط‌مشی یا سناریوهایی در زمینه موضوعات نوآیند می‌شود. کارکرد دوم، «توسعه سیاست‌های نوآورانه» را میسر می‌سازد. بنابراین، منافع بالقوه دیده‌بانی و آینده‌نگاری، دو وجه دارند: از یک سو تمرکز محصول - محور رایج در زمینه «ارائه اطلاعات درباره تحولات آینده به عنوان مبنایی برای اولویت‌گذاری» و از سوی دیگر، تمرکز بر یک فرایند یادگیری متقابل تعاملی و نوآورانه در بین سیاست‌گذارانی است که «ظهور چشم‌اندازهای مشترک» را برمی‌انگیزند (Da Costa et al, 2008).

دیده‌بانی بخشی از آینده‌نگاری راهبردی است و عدم قطعیت‌های ذاتی در آماده شدن برای آینده را شناسایی می‌کند (Bishop, 2009). دیده‌بانی به منظور شناسایی و جمع‌آوری شواهد تنها یک بخش - اگرچه مهم - از فرایند آینده‌نگاری جامع را شکل می‌دهد (Major et al, 2001). آینده‌نگاری، هوشیاری در رابطه با وضعیت‌ها و موضوعات نوآیند را توسعه داده و از تفکر استراتژیک - با توسعه دامنه‌ای از مسیرهای ممکن در مورد اینکه آینده چگونه می‌تواند باشد - پشتیبانی می‌کند (Habegger, 2009).

شکل ۱: فازهای آینده‌نگاری جامع

(Habegger, 2009 based on Horton, 1999 & Schultz, 2006)

فاز سه (توسعه گزینه‌های سیاستی)	فاز دو (انجام آینده‌نگاری)	فاز یک (شناسایی اولیه)	فاز
رویاپردازی آینده‌های مطلوب و اقدام سیاستی	ارزیابی و درک چالش‌های سیاستی	شناسایی و پایش موضوعات، روندها، تحولات و تغییرات	توصیف
بصیرت ← اقدام	دانش ←	اطلاعات ←	زنجیره ارزش
سناریوها	پروژه‌های آینده	دیدهبانی	ابزار

۱-۴. مولفه‌های دیده‌بانی

به طور کلی، مهم است بدانیم که تصمیمات درباره تعریف واحدهای تحلیل باعث هدایت آنچه «مشاهدات آینده محور» ارائه خواهند داد، می‌شود (Hiltunen 2008a; Mendonca et al, 2004). ساریتاس و اسمیت (۲۰۱۱) «روندها»، «پیشران‌های تغییر^۱»، «شوکه‌ها و شگفتی‌سازها^۲»، «اعوجاج‌ها^۳» و «نشانه‌های ضعیف^۴» را واحدهایی معنادار می‌دانند که باید پویش شوند. کوسا (۲۰۱۰) خاطرنشان می‌سازد به نظر می‌رسد مفهوم «نشانه‌های ضعیف» که پر استفاده اما کمی فاقد دقت است، همه آن چیزی است که مرتبط با تغییرات بالقوه مهم می‌باشد. وی چارچوب بدیلی برای پویش تدوین کرده که دربرگیرنده مفاهیمی هم چون «نشانه‌های ضعیف»، «پیشران‌ها» و «روندها» است. تلاش‌های افق‌پویی که توسط (AJSAN)^۵ صورت می‌گیرد، متمرکز بر پویایی‌شناسی تغییر (رویدادها، روندها، پیشران‌ها و جهان‌بینی‌ها)^۶ در محیط ادراک شده (محیطی که متوجه آن می‌شویم و درباره آن سخن می‌گوییم) و محیط وابسته (محیطی که می‌تواند محرک تغییر در سازمان‌ها باشد) هستند و همچنان که سطح بلوغ سازمان افزایش می‌یابد، تمرکز آن به سمت بهبود شناخت و

1. Trends
2. Drivers of change
3. Wild cards/shocks
4. Discontinuities
5. Weak signals
6. Australasian Joint Agencies Scanning Network
7. Worldviews

گزارش‌دهی درباره موضوعات محوری و نشانک‌های ضعیف، تغییر می‌کند (Delaney & Osborne, 2013). با نظر داشت مباحث فوق و بررسی ادبیات و تعاریف ارائه شده، مهم‌ترین مولفه‌هایی که در دیده‌بانی باید مورد توجه قرار گیرند در ادامه تشریح شده‌اند.

نشانک‌های ضعیف. نشانک‌های ضعیف، نخستین نشانه‌های مهم بروز تغییر هستند (Amanatidou et al, 2011). نشانک‌های ضعیف، علائم اولیه مربوط به تغییرات ممکن اما اثبات نشده‌ای هستند که بعدها می‌توانند به شاخص‌های قابل توجهی از نیروهای مهم برای تحولات، تهدیدات و نوآوری‌ها تبدیل شوند. آن‌ها علائم اولیه پارادایم شیفت‌ها (سنت‌شکنی‌ها) یا روندهای آینده، پیش‌ران‌ها یا اعوجاج‌ها را نشان می‌دهند (kuosa, 2010). گودت (۱۹۷۳) یک ریش (به معنای نشانک ضعیف) را به عنوان «عامل تغییری که در حال حاضر به دشواری درک می‌شود» تعریف می‌کند؛ اما در آینده یک روند قوی را شکل می‌دهد. هیلتونن (۲۰۰۷) با استناد به کارهای ایگور آنسوف، تعریفی از نشانک‌های ضعیف ارائه داده است: هشدارها (داخلی یا خارجی)، رویدادها و تحولاتی که هنوز برای فراهم آوردن امکان یک برآورد دقیق از اثرات آن‌ها و یا برای تعیین واکنش‌های کامل نسبت به آن‌ها، ناقص هستند و در حواشی خرد عرفی قرار دارد (Mannermaa, 1999). نشانک‌های ضعیف، موضوعات و رویدادهای جاری کوچک و به ظاهر غیرمهمی هستند که می‌توانند در زمینه تغییرات آینده با ما سخن بگویند. به عبارت بهتر، امروزه آثار و نشانه‌هایی وجود دارند که اشاره به روندها و رویدادهای محتمل آینده دارند. با فهم و ادراک، این امر امکان‌پذیر است که نشانک‌های ضعیف گذشته که خبر از رخدادهایی در آینده می‌دادند مشخص شوند (Hiltunen, 2006). به عنوان نوعی از مواد خام آینده‌نگاری، نشانک‌های ضعیف می‌توانند به عنوان داده‌های محیطی ناخالص، غیرساختارمند، جزئی و ناکامل تلقی شوند که ممکن است با توجه به بافتار، به اطلاعاتی ارزشمند پالایش شوند و علاوه بر آن، دانش راهبردی و کاربردی را به ارمان بیاورند (Mendonca et al, 2012). به زعم بیشاپ^۱ (۲۰۰۹)، یک نشانک ضعیف یا زود هنگام تغییر که تکانه پویش نامیده می‌شود، رویداد یا بخشی جدید از اطلاعات است که هشدار می‌دهد تغییر در حال وقوع است. تکانه خودش یک تغییر مهم نیست بلکه می‌تواند به یک تغییر مهم با پیامدهای مهم در یک حوزه تبدیل شود. نشانه تغییر می‌تواند قابل انتظار یا غیرمنتظره باشد.

روندها و پیشران‌ها. روند را می‌توان جهت عمومی تحول در طول یک دوره زمانی با ویژگی قابل پیش‌بینی بودن نسبی تعریف کرد. روندها می‌توانند بلندمدت با تأثیر قوی (کلان روند) و کوتاه مدت با تأثیر کم باشند. روندها ممکن است بخشی از یک موضوع یا علیت یک موضوع باشند (Van Rij, 2012)؛ پیشران‌ها به آن دسته از نیروها، عوامل و عدم قطعیت‌هایی اشاره دارند که از سوی ذی‌نفعان قابل پذیرش هستند و باعث ایجاد یا پیش‌راندن تغییر می‌شوند. در واقع، پیشران‌های تغییر، آن دسته از عوامل، نیروها یا رویدادها و تحولاتی هستند که می‌توانند در راستای تغییر انتخاب استراتژیک، سرمایه‌گذاری، فعالیت‌های تحقیق و توسعه یا استراتژی‌ها و دانش آینده‌نگاری، قابل پذیرش باشند. آن‌ها هم در حال حاضر قابل پذیرش هستند و هم در آینده دارای ارزش خواهند بود (Saritas & Smith, 2011). پیشران‌ها نیروهای بنیادین تغییر و در حقیقت بیانگر عوامل ایجاد تغییر در یک موضوع هستند؛ این نیروها خارج از کنترل مستقیم هستند (ولی، ۱۳۸۶).

اعوجاج‌ها (ناپیوستگی‌ها) و شگفتی‌سازها. اعوجاج‌ها به تغییرات سریع و مهم در مسیرها بدون جنبه غیرقابل پیش‌بینی بودن اساسی یا شگفت‌آوری عمیق اشاره دارند. اعوجاج‌ها، موقعیت‌ها تأثیراتی هستند که در طول زمان و در ورای رویدادهای مستقل در جریان هستند، تغییرات سریع دارند و به صورت زیربنایی مسیرهای گذشته یا راستای مورد انتظار سیاست‌ها و نظامات برنامه‌ریزی را تغییر می‌دهند (Saritas & Smith, 2011). تغییرات شناسایی شده در محیط بیرونی می‌توانند مستمر یا غیرمستمر باشند. مخرب‌ترین نوع تغییر غیرمستمر، رویدادهای با احتمال پایین اما تأثیر بالا است که در آینده پژوهی به آن شگفتی‌سازها گفته می‌شود (Petersen and Stienmeller, 2009). شوک‌ها و شگفتی‌سازها، آن دسته از موقعیت‌ها و رویدادهای غافل‌گیرکننده‌ای هستند که می‌توانند به وقوع بپیوندند ولی معمولاً از احتمال بسیار اندکی برخوردارند؛ اما چنانچه به وقوع بپیوندند، تأثیر بسیار بالایی خواهند داشت. این موقعیت‌ها تمایل به تغییر اصول و چارچوب‌ها دارند و مسیرهای جدیدی را خلق می‌کنند که می‌توانند مبنای جدیدی برای چالش‌ها و فرصت‌های دیگر ایجاد کنند که تا پیش از این ذی‌نفعان به آن‌ها فکر نمی‌کردند و یا آمادگی لازم برای رویارویی با آن‌ها را نداشتند (Saritas & Smith, 2011). شگفتی‌سازها نمایانگر وقوع یک رویداد ناگهانی (بی‌خبر و سریع)، غافل‌گیرکننده (غیرمنتظره) و مهم (جدی و شدید) هستند که خارج از حالت عادی بوده و بنابراین نمایانگر یک چالش مهم آینده‌نگاری هم

برای سیاست‌گذاران و هم برای محققان می‌باشند (Mendonca et al, 2009). مندونکا و همکاران (۲۰۰۴) شگفتی‌ساز را به عنوان «رویدادی ناگهانی و منحصر به فرد که می‌تواند در تکامل یک روند خاص، نقش یک نقطه عطف را ایفا کند» تعریف کرده‌اند.

موضوعات نوآیند. موضوعات نوآیند معمولاً توصیف‌کننده یک روایت آینده یا سناریویی کوچک هستند که باید توسط سیاست‌گذاران و جامعه قرار گرفته شود (Amanatidou et al, 2012). موضوعات نوآیند، داستان‌های مبتنی بر شواهدی هستند که یا تحولات و رویدادهایی امیدبخش را تجسم می‌کنند یا تحولات و رویدادهای مخاطره‌آمیز که یا نیاز به پشتیبانی و پرورش و یا نیاز به اقدامات انطباقی و خشی کردن دارند (Van Rij, 2012). آن‌ها اشاره به فرصت‌ها و تهدیدها و مسائلی دارند که نیاز به اقدام سیاستی دارند. این اقدامات ممکن است نه تنها اصلاحات نهادی بلکه اقدامات نظارتی یا اقدامات اولویت‌گذاری مانند تأمین مالی یا تنظیم یک برنامه تحقیق یا شروع برنامه‌های نوآوری باشد. قدرت موضوع بر مبنای ترکیبی از شواهد، جاذبه علائق قوی، ارزش‌ها و احساسات تعریف می‌شود (Van Rij, 2011).

گفتمان‌ها و تبلیغات اغراق‌آمیز. پس از توصیف موضوعات نوآیند، معناسازی و اجتماعی کردن موضوعات نوآیند فرهنگی موضوعیت می‌یابد. معناسازی (تبادل و تطبیق آنچه تاکنون آموخته شده است) فعالیتی کلیدی برای تجزیه و تحلیل اطلاعات دیده‌بانی می‌باشد که در آن گفتگوهای آینده در قالب کارگاه در خصوص موضوعات آینده یا دیگر گفتگوهای تخصصی با بازیگران مختلف شکل می‌گیرد (Cuhls et al, 2015). در واقع توصیف موضوعات نه تنها باید به یافته‌های قابل اطمینان علمی و حقیقی اطلاق شود بلکه باید دارای تأثیر قابل انتظار بر سیستم‌های ارزشی مهم، علایق، روابط قدرت و احساسات باشد؛ گفتمان‌ها درباره موضوعات نوآیند، به مباحثه‌های ارتباطی در خصوص موضوعات نوآیند اطلاق می‌شود که در عرصه سیاسی یا در یک فرآیند تصمیم‌گیری اتفاق می‌افتد (Amanatidou et al, 2011). اصطلاح تبلیغات اغراق‌آمیز به طور کلی به شور و شوق بیش از حد، تبلیغات بیش از اندازه پیرامون یک موضوع خاص، اعلان‌های بیش از اندازه و یا ادعاهای اغراق‌آمیز اشاره می‌کند (Van Rij, 2011). هدف تبلیغات اغراق‌آمیز تأثیرگذاری بر گفتمان به شکلی قوی و البته در کوتاه مدت است. موضوعات نوآیند شناسایی شده تنها در صورتی می‌توانند در گفتمان سیاسی موفق باشند که خط داستان (روایت) مورد استفاده دارای جایگاه ارتباطی قوی در گفتمان سیاسی بوده و ترجیحاً

مرتبط با گفتمان سیاسی امروزی باشد (Amanatidou et al, 2011).

عدم قطعیت‌ها و سناریوها. می‌توان از اطلاعات دیده‌بانی برای توسعه سناریوهایی پیرامون آینده استفاده کرد که می‌تواند باعث «گفتگوهای استراتژیک» درباره تهدیدها و فرصت‌های احتمالی شود (Connery, 2012). در ساده‌ترین حالت، عدم قطعیت از فقدان اطلاعات یا فقدان تحلیل و تفکر ناشی می‌شود. سناریوها راهی را برای کنترل عدم قطعیت‌ها فراهم می‌کنند. مجموعه‌ای از سناریوها، باید به حد کافی پیچیده باشند تا بتوانند مرتبط‌ترین جنبه‌های عدم قطعیت محیطی را پوشش دهند. هشدار اولیه به طور کلی به شناسایی زود هنگام نشانه‌های تغییر، روندها و توقف روندها در ارتباط با سناریو می‌پردازد. در این خصوص بهتر است تعدادی از نشانگرها و شاخص‌ها را شناسایی کنیم؛ یعنی تغییراتی در محیط که احتمال وقوع هر یک از سناریوها را افزایش یا کاهش می‌دهند (لیندگرن، باند هولد، ۱۳۸۶).

مسائل و موضوعات باثبات. مسئله ناظر به شکاف بین وضع موجود با میزان استاندارد و مطلوب شاخص مد نظر است. در صورتی که در فرایند دیده‌بانی انحرافی از وضع استاندارد مشاهده شود، به عنوان مسائل و هشدارهایی هویدا می‌شوند؛ موضوعات پایدار و باثبات نیز ارزشمند هستند و ممکن است که آن‌ها با پدیده‌های غیرمنتظره یا مورد غفلت واقع شده مرتبط باشند. برای یک موضوع پایدار، چندان رایج نیست که در تکامل بلندمدت، ماهیت خود را تغییر دهد. یک نگرش مناسب عبارت از طرح این پرسش است که چه موضوعی می‌تواند منجر به شتاب گرفتن، کند شدن یا تبدیل روندها شود. البته برخی چیزها آن قدر مأنوس هستند که نمی‌توان در مورد ثبات یا بی‌ثباتی آن‌ها سوال پرسید (Miles & Saritas, 2012).

۱-۱-۵. رویکردهای دیده‌بانی

در دیده‌بانی دو رویکرد موضوع محور و اکتشافی از یکدیگر تمیز داده شده‌اند که زیربنای فرآیند دیده‌بانی را شکل می‌دهند:

پوشش موضوع محور. این رویکرد متمرکز بر شناخت ملاک‌های اصلی (نشانک‌های اولیه) است که توصیف کننده بخش‌های مهمی از موضوعات بالقوه هستند. در رویکرد مذکور، توصیف مقدماتی موضوعات به عنوان مبنای شناسایی نشانک‌های بالقوه، شناخته می‌شوند که می‌توانند ظهور واقعی یک موضوع را تأیید یا رد کنند. در این رویکرد،

تمرکز پویش بر نشانک‌هایی است که دارای روایتی کامل یا مهم از آینده برای سطح مشخصی از سیاست‌ها هستند. پویش موضوع‌محور نشانک‌هایی را شناسایی می‌کند که از داستان‌های آینده برای سیاست‌ها پشتیبانی به عمل می‌آورد و معمولاً شامل فرآیندهای کاملاً متمرکزی است که یک موضوع را که مستعد تأثیرگذاری بالا است و نیاز به اقدام در حال حاضر دارد، برجسته می‌کنند. پویش موضوع‌محور موضوعات را پیش‌بینی نمی‌کند بلکه تنها ابزاری را برای آگاهی از تأثیر بالقوه موضوعاتی که نیازمند توجه سیاسی هستند، ارائه می‌نماید (Amanatidou et al, 2012).

پویش اکتشافی. پویش اکتشافی انواع مختلف نشانک‌ها را با یک پروفایل پژوهشی باز مورد شناسایی قرار می‌دهد. در رویکرد پویش اکتشافی، شناسایی نشانک‌ها با استفاده از یک نمایه جستجوی باز است. اطلاعات ارائه شده توسط پویش اکتشافی، غنی بوده و فاقد تمرکز است. در پویش اکتشافی یا کنجکاوانه، تحلیلگر بدون چارچوبی مشخص با موضوعات بالقوه نوآیند در ذهن، به دنبال اطلاعاتی درباره تحولات جدید است. در پویش اکتشافی، موضوعات نوآیند شناسایی شده و با پردازش اطلاعات از منابع مختلف توصیف می‌شوند. هدف از رویکرد پویش اکتشافی، شناسایی فهرستی بلند از نشانک‌هایی است که پیش‌سازهایی برای موضوعات نوآیند هستند و تنها در گستره سیاست انتخابی وجود دارند (Amanatidou et al, 2012). به منظور تصدیق موضوعات نوآیند فرهنگی، نشانک‌های ثانویه باید به طور مستمر پایش شوند. لایکس (۲۰۱۲) معتقد است آغاز فرایند پایش با انتخاب نشانک‌های موضوعات نوآیند است.

۱-۱-۶. روش‌ها و منابع دیده‌بانی

فعالیت‌های دیده‌بانی به ندرت بر مبنای یک روش انجام می‌شوند و معمولاً در قالب تعدادی گام و روش و تکنیک‌های مختلف اجرا می‌شوند. دیده‌بانی می‌تواند از طریق مرور ادبیات پژوهش‌های گذشته، ورودی‌های خبرگانی، بررسی مواد کنفرانس‌ها و ... انجام شود و زمان و هزینه بالایی را صرف کند. در حالی که برخی از روش‌های شناسایی موضوعات نوآیند می‌توانند - با استفاده از ابزارهای فناوری اطلاعات و نرم افزار - خودکار باشند. توصیه‌های خبرگانی نیز یک نقش مهم و ضروری در تدوین معیارهای کاوش، تفسیر خروجی‌های پژوهشی و گزینش نشانک‌هایی که مستلزم ارزیابی و توجه بیشتر هستند، بر عهده دارند (FAO of the United Nations, 2013). هر یک از روش‌ها،

بسته به شرایط، دارای مزیت‌ها و معایبی هستند؛ شرایطی از قبیل علائق و ارجحیت‌های کاربر، زمینه‌های سیاستی مربوط به آن‌ها، محدودیت‌های بودجه‌ای و زمانی، ظرفیت‌های موجود در دسترس یا جنبه‌های خاص نظیر ریسک‌ها و شرایط اضطراری بالقوه، عمق و گستره مفاهیم و درجه آگاهی‌ها و نگرانی‌های عمومی. علاوه بر این، برخی از روش‌ها برای مراحل اولیه فرآیند دیده‌بانی (جمع‌آوری داده‌ها و شناسایی نشانک‌های ضعیف)، بهتر و مناسب‌تر هستند؛ در حالی که برخی، بیشتر با مرحله پردازش، تجزیه و تحلیل سازگاری دارند. به کارگیری روش‌ها مبتنی بر اطلاعات مورد نیاز سیاستگذاران باید مشکل از روش‌ها یا ترکیبی از روش‌هایی باشد که بتوانند کلیه مراحل مختلف فعالیت دیده‌بانی را تحت پوشش قرار دهند.

به طور کلی، بر مبنای سطح مشارکت و همچنین نحوه پردازش اطلاعات می‌توان یک ترکیب مناسب از روش‌هایی را ایجاد کرد که بررسی کاملی از کل فرآیند دیده‌بانی را به همراه دارند. سه ترکیب مذکور به شرح ذیل می‌باشند: ترکیب نخست را می‌توان بیشتر در راستای رویکرد اکتشافی در نظر گرفت. در حالی که دو ترکیب بعد، بیشتر متوجه رویکرد موضوع‌محور هستند (Amanatidou et al, 2012):

- پویش اینترنتی (توئیت/ویکی و ...) که با پردازش نشانک‌های ضعیف تکمیل می‌گردد (رویکرد نیمه خودکار، مشارکتی).

- ارزیابی کارشناسی قانونی که از طریق متن‌کاوی کامل می‌شود (رویکرد نیمه خودکار، غیرمشارکتی).

- ارزیابی کارشناسی قانونی که از طریق پیمایش تخصصی، مرور ادبیات و برگزاری کنفرانس پشتیبانی می‌شود (رویکرد ترکیبی - دستی)

فعالیت مرسوم دیگری که در طبقه‌بندی و سازماندهی نشانک‌های آینده و موضوعات انجام می‌شود، استفاده از یکی از چارچوب‌های STEEPV و مشتقات آن (STEP, PEST, DEGEST, EPISTLE, STEEP, STEEPLED, PESTLE) می‌باشد. STEEPV به رصد عوامل و متغیرهای اجتماعی، فناوریانه، فرهنگ محیطی، سیاسی و ارزش‌ها می‌پردازد (منزوی و آقاسرجه‌پیم، ۱۳۸۶). به اعتقاد مولایی و همکاران (۱۳۹۴) تجربه فعالیت‌های آینده‌پژوهانه در محیط ایران نشان داده است که هیچ کدام از این الگوها برای انجام تحلیل‌های سطح ملی کفایت لازم را ندارند. آن‌ها با توجه به شرایط بومی جامعه ایرانی چارچوبی برای پویش محیط کلان ایران ارائه داده‌اند که با عنوان مدل آینده‌بان شناخته می‌شود. این چارچوب قائل

به تقسیم‌بندی ده‌گانه اجتماعی، اقتصادی، بین‌الملل، دین، سلامت، سیاسی، صنعت و کشاورزی، علم و فناوری، فرهنگ و محیط زیست است.

هیلتونن (۲۰۰۸) بیان داشته است که بر طبق پژوهش‌ها، برخی عناصر و انواع منابع برای پیش‌بینی تغییرات وجود دارد که از دیگر منابع مناسب‌ترند. وی با پژوهش در مقیاس بین‌المللی با تمرکز بر منابع خوب نشانک‌های ضعیف فهرستی از منابع را ارائه کرده است که در شناسایی نشانک‌های ضعیف تغییر در حوزه‌های سیاست، اقتصاد، فرهنگ و اجتماع، علم و فناوری، محیط، آموزش و یادگیری و ... ارزشمند هستند. از دیدگاه وی، منابع مناسب برای نشانک‌های ضعیف به ترتیب اولویت به شرح جدول شماره (۱) می‌باشند که به طور کلی آن‌ها را بر مبنای منابع انسانی، منابع متنی و منابع برخط می‌توان دسته‌بندی نمود.

جدول ۱: منابع خوب برای نشانک‌های ضعیف (Hiltunen, 2008b)

فهرست‌های ایمیل	اینترنت: نشریات الکترونیکی	دانشمندان، پژوهشگران
فیلم‌ها	اینترنت: صفحات شخصی افراد/مشاوران	آینده‌پژوهان
هنرمندان	روزنامه‌های ایمیلی	همکاران
مطالعات بازار	کتاب‌ها و فیلم‌های علمی تخیلی و ...	نشریات علمی و دانشگاهی
سیاستمداران	گزارش‌های دولتی و سایر بخش‌های عمومی	گزارشات موسسات پژوهشی
گزارش‌های سالانه	اینترنت: گروه‌های مباحثه	مشاوران در زمینه‌های غیر از آینده
شرکت‌ها	اینترنت: وبلاگ‌ها	مجله‌های علمی و اقتصادی عمومی
اقوام و آشنایان	مطبوعات زیرزمینی و حاشیه‌ای	رادیو و تلویزیون
ثبت اختراعات	نشریات ادواری	کتاب‌های علمی و آموزشی
رساله‌های دکتری	روزنامه‌های محلی	اینترنت: وب سایت‌های سازمان‌ها و شرکت‌ها
طرح‌نامه‌های قوانین	اینترنت: پایگاه‌های داده الکترونیکی	مردم عادی (مشاهده آن‌ها)
منابع دیگر	مقامات دولتی	افراد رسانه‌ای
نمایشگاه‌های هنری		

۲-۱. مفهوم شناسی فرهنگ

به منظور ورود به مقوله دیده‌بانی فرهنگی به مفهوم‌شناسی فرهنگ و شناخت اجزاء و عناصر سازنده آن پرداخته می‌شود؛ چرا که بدون درک صحیح از فرهنگ و بدون آگاهی از اجزاء یک فرهنگ هرگز نمی‌توان سخن از دیده‌بانی فرهنگی به میان آورد. در این راستا، توجه به نظریه‌های اندیشمندان مختلفی که درباره فرهنگ مباحث و تعاریفی را مطرح کرده‌اند،

ضروری به نظر می‌رسد تا بتوان از آن برای توضیح ماهیت فرهنگ استفاده کرد؛ اگرچه مفهوم فرهنگ همانند بسیاری از مفاهیم دیگر در علوم انسانی دارای تعاریف و تعبیر مختلفی است که یکپارچه ساختن همه آن‌ها به راحتی در یک تعریف جامع و واضح مقدور نیست (برایت، ۱۳۸۵). رابرت بارفسکی نیز این نظر را مطرح می‌کند که تلاش‌های معطوف به تعریف فرهنگ «شبه تلاش برای به چنگ آوردن باد است». این استعاره جذاب، ماهیت متغیر فرهنگ را در بر دارد و بر این امر تاکید می‌کند که رعایت دقت درباره معنای این واژه تا چه اندازه دشوار است (کاوسی و همکاران، ۱۳۸۷). به قول سایمون و گوردون (۱۳۸۳) فرهنگ یکی از شخصی‌ترین و پرتنهاب‌ترین مقولات به شمار می‌آید. بر این اساس، تعداد تعاریف فرهنگ ظاهراً به دویست تعریف و حتی بیشتر می‌رسد.

درباره فرهنگ تعریف واحدی وجود ندارد و ما با تعاریف مختلفی روبرو هستیم؛ تعریف موسع از فرهنگ که فرهنگ را مساوی با «مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی بشر» می‌داند؛ تعریف مضیق از فرهنگ که فرهنگ را پدیده‌ای ذهنی و ادراکی و مجموعه به هم پیوسته‌ای از اندیشه‌ها، احساسات و اعمالی که به وسیله افراد یک گروه پذیرفته شده است می‌داند؛ تعریفی که فرهنگ را صرفاً به عنوان روش و شیوه زندگی و گذران امور معرفی می‌کند؛ تعاریفی که فرهنگ را تنها وجه ممیزه و عامل بازشناسی افراد و جوامع می‌داند؛ تعاریف و توصیفاتی که فرهنگ را به عنوان واقعیتی عینی و موضوعی ملموس می‌شناسد (قاسمی، ۱۳۹۵). در مجموع می‌توان گفت در تعریف ماهوی فرهنگ، نظریه‌پردازان، از زوایای گوناگون به تعریف فرهنگ پرداخته‌اند. بعضی، آن را «رفتار یا الگوهای رفتاری» دانسته‌اند؛ پاره‌ای، «بازتاب اندیشه و شناخت بشر» محسوب نموده‌اند؛ گروهی، «شیوه و الگوی زندگی بشر» را فرهنگ آن نامیده‌اند؛ برخی دیگر، «مجموعه اندوخته‌های مادی و معنوی» بشر را، فرهنگ برشمرده‌اند و بالاخره عده‌ای، «ارزش‌ها، هنجارها، باورها و مجموعه امور پذیرفته شده و هنجار یافته اجتماعی» را فرهنگ قلمداد نموده‌اند (پیروزمند و صادقی، ۱۳۸۵). در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران، فرهنگ، نظام‌واره‌ای است از «عقاید و باورهای اساسی»، «ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری» ریشه‌دار و دیرپا و «نمادها» و «مصنوعات» تعریف شده است که ادراکات، رفتار و مناسبات جامعه را جهت و شکل می‌دهد و هویت آن را می‌سازد (بی‌نام، ۱۳۹۲).

یکی از محققین با طبقه‌بندی دویست و هفتاد تعریف مطرح در عرصه فرهنگ، نشان داده است که برداشت اکثریت نظریه‌پردازان در خصوص فرهنگ این است که فرهنگ،

دربگیرنده کل روش زندگی است. با چنین تعریفی، می‌توان گفت فرهنگ هر جامعه در تمامی ارتباطات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی افراد جامعه تأثیر می‌گذارد (خاشعی، ۱۳۹۰) و در یک نظام اجتماعی حوزه فرهنگ در حال تبادل با سایر حوزه‌ها نظیر سیاست، اقتصاد و اجتماع می‌باشد. مسائل و پدیده‌های موجود در هر یک از این عرصه‌ها تأثیر قابل توجهی بر روند فرهنگی هر جامعه خواهد داشت. بنابراین بررسی تغییرات فرهنگی نمی‌تواند در فرآیندی محدود در بخش فرهنگ باشد و ارتباط دو سویه‌ای با سایر مسائل جامعه دارد (نگاهداری، ۱۳۸۵).

۱-۲-۱. عناصر و سطوح فرهنگ در جمهوری اسلامی ایران

اندیشمندان، سطوح، لایه‌بندی‌ها و اجزاء مختلفی را برای تبیین مفهوم فرهنگ ذکر کرده‌اند، با تجمیع و تحلیل دیدگاه‌ها، می‌توان گفت اندیشمندان در خصوص عناصر فرهنگ، عمدتاً به سه عنصر مشترک اشاره دارند که عبارتند از: «باورها و عقاید اساسی»، «ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری» و «نمادها و مصنوعات»^۱. هم‌چنین از حیث اینکه هر کدام از عناصر ارائه شده از سوی اندیشمندان بر کدام جنبه فرهنگ (مادی یا معنوی) تأکید دارند نیز، می‌توان آراء آن‌ها را دسته‌بندی نمود؛ به نحوی که عناصر مربوط به بعد «باورها و عقاید اساسی» و «ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری» در «بعد معنوی فرهنگ» جای دارند و عناصر مربوط به بعد «نمادها و مصنوعات» از عناصر «بعد مادی فرهنگ» می‌باشند.

مظاهر فرهنگ (مصنوعات و نمادها)^۲ شامل همه پدیده‌هایی است که یک نفر می‌بیند، می‌شنود و یا لمس می‌کند، نظیر معماری محیط فیزیکی، زبان، تکنولوژی و محصولات آن، آفرینش‌های هنری، شیوه‌های لباس پوشیدن، نوع افسانه‌ها و داستان‌ها و...؛ ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری^۳ شامل ارزش‌های حمایتی، هنجارها و قواعد رفتاری است که نشان‌دهنده اولویت‌ها یا چیزهایی هستند که باید انجام شود؛ بر اساس نظر شاین، باورها و عقاید اساسی^۴ هسته فرهنگ را شکل می‌دهند؛ این مفروضات غیرقابل مذاکره تلقی می‌شود و اگر کسی آن‌ها را رعایت نکند، ناتوان تلقی شده و طرد می‌شود (Schein, 2004).

۱. با نظر داشت محتوای نقشه مهندسی فرهنگی کشور (۱۳۹۲).

2. Artifacts

3. Espoused Values

4. Basic Assumption

جدول ۲: احصاء عناصر کلیدی فرهنگ با ترکیب دیدگاه اندیشمندان

عناصر فرهنگ/ اندیشمند	افروغ	رجب زاده	مالینوفسکی	هافستد	اولسون	شاین
باورها و عقاید اساسی	باورهای بنیادین	اعتقادات	اعمال سمبلیک	-	باورها	باورها و مفروضات اساسی
ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری	ارزش‌ها و باورها - رفتارها و هنجارها	ارزش‌ها و گرایش‌ها، رفتارهای تثبیت شده	شیوه‌های پذیرفته شده رفتار	ارزش‌ها - شعائر و مناسک - مدل‌های رفتاری قهرمانان و شخصیت‌ها	ارزش‌ها و هنجارها	ارزش‌ها و هنجارها
نمادها و مصنوعات	نمادها	آثار ومحصولات هنری، آثار فرهنگی	کالاهای مادی	نمادها و الگوها	تکنولوژی	مصنوعات و نمادها

شورای عالی انقلاب فرهنگی، به عنوان اصلی‌ترین مرجع سیاست‌گذاری و جهت‌دهی به فرهنگ، فرهنگ در جمهوری اسلامی ایران را شامل سه عنصر «باورها و عقاید اساسی»، «ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری باثبات و ریشه‌دار» و «نمادها و مصنوعات» شکل دانسته است که این عناصر در سطوح مختلف فرهنگ در جمهوری اسلامی ایران قابل تعریف می‌باشند. منظور از سطوح فرهنگ، سطوح مورد مطالعه و مدیریت‌پذیر فرهنگ است که کل جامعه یا بخش قابل توجهی از آن را تحت پوشش قرار می‌دهد. سطح فرهنگ، به درجه‌ای اشاره می‌کند که پدیده فرهنگ، برای مشاهده‌کننده قابل شناسایی و بررسی است. در نقشه مهندسی فرهنگی کشور، اشاره شده است که فرهنگ در سه سطح «فرهنگ ملی (اسلامی - ایرانی)»، «فرهنگ عمومی» و «فرهنگ حرفه‌ای» مورد شناسایی، بررسی، تحلیل و برنامه‌ریزی قرار می‌گیرد.

فرهنگ ملی. نظام‌واره باورها و عقاید اساسی، ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری باثبات و ریشه‌دار و نمادها و مصنوعات مردم مسلمان ایران (و عموماً در مرزهای جغرافیایی کشور) است؛ که طی قرن‌ها و هزاره‌ها ایجاد و تثبیت شده و به ملت هویت می‌بخشد. فرهنگ اسلامی - ایرانی همان فرهنگ متعالی اسلامی است که در روح و کالبد فرهنگ ایران زمین دمیده شده و متناسب با تاریخ، جغرافیا، مذهب، زبان و... توسعه و تکامل یافته است (نقشه مهندسی فرهنگی کشور، ۱۳۹۲).

فرهنگ عمومی. نظام واره باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و گرایش‌ها، الگوهای رفتاری و نمادها و مصنوعات است که فضای عمومی و مشترک فرهنگی جامعه را در مقاطع زمانی معین شکل می‌دهد. فرهنگ عمومی بر ارزش‌ها، گرایش‌ها، الگوهای رفتاری و الگوی زندگی آحاد جامعه تأکید و در مقایسه با فرهنگ ملی (اسلامی - ایرانی)، عمق و پایداری کمتری دارد. فرهنگ عمومی تا حدود قابل ملاحظه‌ای تابع مقتضیات زمانی و مکانی جامعه و منعکس‌کننده عملکرد سایر نظام‌ها همچون نظام فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، قضایی، حقوقی و... است (نقشه مهندسی فرهنگی کشور، ۱۳۹۲). فرهنگ عمومی، هر آن چیزی است که مردم به طور عام در زندگی روزمره با آن سروکار دارند، از نحوه لباس پوشیدن گرفته تا آداب معاشرت و نحوه رانندگی، رعایت حقوق همسایه و صیانت از منابع طبیعی و فضای سبز محلی و توجه به تحصیل فرزندان تا ابراز همدردی با نیازمندان و افراد گرفتار چه در سطح محلی و منطقه‌ای و چه در سطح بین‌المللی، آداب و سنن مذهبی و عرف اجتماعی تا رفتار در کوچه و خیابان و ورزشگاه همه و همه در حوزه فرهنگ عمومی قرار دارند (Shaffer, 2008).

فرهنگ حرفه‌ای. نظام واره باورها، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری و نمادهای شاغلان و متصدیان هر حرفه است. ارزش‌های فرهنگ حرفه‌ای به واسطه سنوات طولانی آموزش‌های تخصصی و یا تجربه و کارورزی بلندمدت حاصل می‌شود. فرهنگ حرفه‌ای سیاستمداران، پزشکان، بازاریان، معلمان، قضات، نظامیان و روحانیان از جمله این فرهنگ‌ها هستند.

۱-۲-۲. سازمان‌های فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران

تحقق اهداف و برنامه‌های فرهنگی هر کشور، مستلزم داشتن دستگاه‌ها و نهادهای اجرایی کارآمد است. بدون سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی کارآمد و اثربخش، تحقق هیچ برنامه‌ای، حتی اگر در مطلوب‌ترین شکل آن تدوین شده باشد، میسر نخواهد شد (صالحی‌امیری و عظیمی‌دولت‌آبادی، ۱۳۸۷). سازمان‌های فرهنگی در ایران با معیار اهداف و وظایف مدون در قانون تشکیل می‌شوند. هر سازمان و عملکرد آن در مدت فعالیت، در سه دسته «سازمان‌ها و نهادهای سیاستگذار»، «سازمان‌ها و نهادهای مجری» و «سازمان‌ها و نهادهای ناظر» قرار داد. هم چنین می‌توان این تقسیم‌بندی را بر اساس دو معیار دیگر تکمیل نمود و طبقه‌بندی دیگری را براساس تلفیق معیارهای مختلف به دست آورد؛ اینکه آیا فرهنگ، هدف و محور اصلی فعالیت‌های آن‌ها را تشکیل می‌دهد؟ (فرهنگ محور و غیرفرهنگ

محور) و آیا مخاطبین آن‌ها قشر خاصی از جامعه هستند یا کل افراد جامعه؟ (عام و خاص). براساس معیارهای مذکور، دوازده گونه سازمان فرهنگی را می‌توان شناسایی کرد؛ از این دوازده گونه، شش گونه آن «سازمان‌های فرهنگ محور» می‌باشند.^۱ با توجه به موضوع دیده‌بانی فرهنگی که اعم از پویش و پایش فرهنگی است و ارتباط مباحث مربوط به آینده‌پژوهی و دیده‌بانی با مقوله سیاست‌گذاری، مخاطب پژوهش حاضر سازمان‌های فرهنگ محور می‌باشند که متولی سیاست‌گذاری یا نظارت در امر فرهنگ کشور بوده و دارای مخاطبان عام و خاص می‌باشند؛ در واقع این سازمان‌ها می‌توانند به عنوان کاربر زمینه ریخت‌شناسانه دیده‌بانی فرهنگی» برای انجام فعالیت‌های مربوط به این حیطه باشند که در پژوهش حاضر ارائه گردیده است.

۳-۱. دیده‌بانی فرهنگی

۱-۳-۱. مروری بر اهداف و حیطه فعالیت رصدخانه‌های فرهنگی در جهان

بررسی اهداف و نحوه فعالیت نهادهایی که در کشورهای مختلف تحت عنوان رصدخانه‌های فرهنگ شناخته شده‌اند، حائز اهمیت است. رصدخانه‌های فرهنگ، حوزه‌ها و اهداف مختلفی را دنبال می‌کنند. پلبنزک^۲ (۲۰۱۴) در پژوهشی جامع مدل‌های مختلف و اهداف رصدخانه‌ها را ارائه و با یکدیگر مقایسه کرده است. وی بیان می‌دارد در پاسخ به مطالبات و مسائل فرهنگی، کشورهای زیادی آنچه که «رصدخانه‌های فرهنگی» یا «پژوهشگاه‌های فرهنگی» نامیده می‌شوند را بنیاد نهاده‌اند و نهادهای زیادی وجود دارند که به عنوان رصدخانه یا پژوهشگاه‌های فرهنگ شناخته می‌شوند. اهداف، حیطه فعالیت و اشکال فعالیتی آن‌ها با یکدیگر متفاوت است - از سطح منطقه‌ای تا سطح بین‌المللی و شامل رصد پدیده‌ها یا مداخله فعال در سیاست‌گذاری فرهنگی هوشمندانه.

عبارت رصدخانه فرهنگی به معنای دامنه وسیعی از فعالیت‌ها به کار گرفته شده است. در ادامه اهداف، حیطه و اشکال فعالیت رصدخانه‌ها اشاره شده است. تجزیه و تحلیل اهداف رصدخانه‌ها نشان می‌دهد که صرف نظر از اینکه ما با یک سازمان جهانی یا ملی یا محلی یا

۱. سازمان‌های فرهنگ محور سیاست‌گذار با مخاطبان عام، سازمان‌های فرهنگ محور سیاست‌گذار با مخاطبان خاص، سازمان‌های فرهنگ محور مجری با مخاطبان عام، سازمان‌های فرهنگ محور مجری با مخاطبان خاص، سازمان‌های فرهنگ محور ناظر با مخاطبان عام، سازمان‌های فرهنگ محور ناظر با مخاطبین خاص.

2. Plebanczyk

شبکه سروکار داریم، هدف مقدماتی آن‌ها در خصوص مدیریت دانش پیرامون فرهنگ، هم چنین بررسی تحولات آن از طریق فعالیت‌هایی نظیر جمع‌آوری (شامل پژوهش)، ذخیره‌سازی و تسهیم اطلاعات پیرامون فرهنگ می‌باشد. سایر اهداف شامل تسهیل و پشتیبانی از مدیریت نهادهای فرهنگی خصوصی و عمومی هم چنین مداخله فعال و هوشمندانه در سیاست‌گذاری می‌باشد که به وسیله «بنیاد نهادن (آغاز کردن) و هماهنگ ساختن فعالیت‌های پژوهشی و علمی در زمینه فرهنگ»، «پایش فرایندهای فرهنگی» و «تأمین نیازهای نهادهای فرهنگی به وسیله مثلاً ایجاد شرایطی برای آغاز همکاری‌های بین‌المللی ملی و محلی هم چنین آموزش برای مدیران» انجام می‌شود. اشکال فعالیت رصدخانه‌های فرهنگ با توجه به سه هدف پیش‌گفته صورت می‌گیرد. وظایفی که از طریق اقدامات مشخص انجام می‌شود در ارتباط با سه هدف رصدخانه‌های فرهنگ در جدول (۳) نمایش داده شده است.

جدول ۳: اشکال فعالیت رصدخانه‌های فرهنگ با توجه به اهداف آن‌ها (Plebanczyk, 2014)

هدف اول:		
بنیاد نهادن و هماهنگ‌سازی	هدف دوم:	هدف سوم:
فعالیت‌های پژوهشی و علمی در زمینه فرهنگ	پایش فرایندهای فرهنگی	تأمین نیازهای نهادهای فرهنگی
فعالیت‌های مربوط:		
تعیین موضوعات و روندهای پژوهش، آغاز و اجرای پژوهش‌های علمی، توسعه واژه‌شناسی‌های تخصصی، برگزاری جلسات و کنفرانس‌های علمی، ارائه کارهای تحلیلی، نظرات تخصصی، نگرش‌ها و دیدگاه‌ها، مدیریت پروژه‌های تحقیقاتی، مشاوره و پیشنهاد دادن خدمات نشر شامل کتاب‌ها، منبع‌شناسی، مجلات و محتوای کنفرانس‌ها	فعالیت‌های مربوط: جمع‌آوری داده‌های به‌روز پیرامون فرهنگ جهانی و ملی، تعریف استانداردها، ایجاد و بکارگیری سیستم شاخص‌ها، شناسایی روندهای جدید در فرهنگ، پردازش اطلاعات و ایجاد یک پایگاه داده فرهنگی، ایجاد یک سیستم الکترونیکی از اطلاعات فرهنگی	فعالیت‌های مربوط: آغاز گفت‌وگو پیرامون فرهنگ و مدیریت فرهنگی شامل سازماندهی جلسات، کنفرانس‌ها، کارگاه‌ها و مباحثات که متخصصان فرهنگی را گرد هم خواهد آورد. هماهنگ‌سازی همکاری‌ها بین بخش‌های گوناگون فرهنگ، ایجاد یک شبکه از نهادها و یا سازمان‌ها که با یکدیگر همکاری دارند. فعالیت‌های تعلیم و تربیتی نظیر آموزش مدیریت پروژه‌های فرهنگی، فعالیت‌های اطلاعاتی نظیر ایجاد اطلاعات جمع‌آوری شده در دسترس برای مخاطبان ذی‌نفع در یک شکل از پیش تهیه شده، جستجوی منابع مالی.

به اعتقاد پلبانژک (۲۰۱۴)، هر تلاش برای بحث در مورد رصدخانه‌های فرهنگی مملو از ریسک قابل توجه است. این به دلیل این حقیقت است که انجام یک طبقه‌بندی روشن برای تعیین آنچه که یک رصدخانه است و آنچه که نیست، بی‌نهایت دشوار است. زیرا

رصدخانه‌های امروزی فعالیت‌های بسیار گسترده‌ای انجام می‌دهند، نه تنها فعالیت‌های مرتبط با تجزیه و تحلیل فرهنگ، بلکه هم چنین بررسی تحولات آن. می‌توان گفت دیده‌بانی فرهنگی جزئی از فعالیت‌هایی است که توسط رصدخانه‌های فرهنگ انجام می‌شود.

۱-۳-۲. تعریف دیده‌بانی فرهنگی

فعالیت‌ها و محتوای پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص رصد فرهنگی - به ویژه در داخل کشور - وزن بیشتری برای پایش لحاظ کرده‌اند و ناظر به وضع موجود صورت گرفته‌اند و نگاه آینده‌پژوهانه و کاربست مفاهیم آینده‌پژوهی در آن‌ها چندان مد نظر قرار نگرفته است. علیرغم اینکه در شیوه‌نامه رصد فرهنگی تاحدی به مفاهیم آینده‌پژوهی و آینده‌نگری اشاره شده است، اما آنچه که در گفتمان رصد فرهنگی کشور در عرصه نظر و عمل رخ می‌نماید فقدان فرایند مدون و کم توجهی به مفاهیم دیده‌بانی در آینده‌پژوهی در فعالیت‌های رصد فرهنگ است. به طور کلی دو فعالیت کلیدی «پیش‌نشانه‌ها و شناسایی موضوعات نوآیند فرهنگی» و «پایش و مسئله‌شناسی در موضوعات و مولفه‌های فرهنگ» در دیده‌بانی فرهنگی اهمیت دارند. بر این اساس و با توجه به مطالب ارائه شده پیرامون مفهوم دیده‌بانی و فرهنگ، در تعریف دیده‌بانی فرهنگی و چارچوب ریخت‌شناسانه آن، نکات ذیل بایستی مد نظر قرار گیرد:

- در ترکیب دیده‌بانی فرهنگی، واژه دیده‌بانی معطوف به «فرایند و چگونگی انجام آن» است و واژه فرهنگی دلالت بر «حوزه دیده‌بانی» دارد و معطوف به «مولفه‌های دیده‌بانی و شاخص‌های فرهنگی» می‌باشد.
- فرهنگ در جمهوری اسلامی ایران در سطوح «ملی»، «عمومی» و «حرفه‌ای» متصور است.
- فرهنگ در جمهوری اسلامی ایران دارای سه عنصر «باورها و عقاید اساسی»، «ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری باثبات و ریشه دار» و «نمادها و مصنوعات» می‌باشد.
- فرهنگ با سایر ابعاد نظام اجتماعی از جمله سیاست، اقتصاد و ... در تعامل است.
- پویش مبتنی بر مدل‌های ذهنی و پایش مبتنی بر مدل‌های عینی صورت می‌گیرد.
- با توجه به تعامل فرهنگ با سایر ابعاد جامعه، نشانه‌های مهم تحولات بالقوه فرهنگی،

- می‌توانند در محیط‌های مختلف (سیاسی، اقتصادی و ...) پویش شوند.
- پویش بر شناسایی علائم اولیه تحولات بالقوه اعم از نشانک‌های ضعیف، روندها، پیشران‌ها، ناپیوستگی‌ها، شگفتی‌سازها، موضوعات نوآیند و سایر تحولاتی که در مرز برنامه‌ریزی‌ها و اندیشه فعلی است - و البته غیر محدود به آن - تمرکز دارد.
 - پایش مبتنی بر شاخص‌های ثانویه و راهنما (حاصل از فرایند پویش) و هم‌چنین شاخص‌های مولفه‌های فرهنگ صورت می‌گیرد.
 - دیده‌بانی فرهنگی می‌تواند به مثابه ابزاری برای سیاستگذاری فرهنگی و هم‌چنین جزئی از فرایند آینده‌پژوهی در حوزه فرهنگ قلمداد گردد.
 - پویش به سیاست‌ها و اقدامات پیش‌دستانه در قبال موضوعات نوآیند و پایش به مسئله‌شناسی و سیاستگذاری برای حل مسئله رهنمون می‌کند.
- با توجه به نکات فوق دیده‌بانی فرهنگی به شرح ذیل تعریف می‌گردد:
- «پویش و ارزیابی نظام‌مند نشانه‌های مهم تحولات بالقوه فرهنگی در محیط‌های مختلف و توصیف موضوعات نوآیند فرهنگی و شناسایی فرصت‌ها و تهدیدهای فرهنگی محتمل؛ پایش «باورها و عقاید اساسی»، «ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری باثبات و ریشه‌دار» و «نمادها و مصنوعات» و مسئله‌شناسی فرهنگی در سطح فرهنگ ملی، عمومی و حرفه‌ای مبتنی بر مولفه‌ها و شاخص‌های فرهنگی؛ هم‌چنین پایش شاخص‌های راهنمای سناریوهای فرهنگی و نشانک‌های ثانویه جهت شناسایی بهنگام موضوعات نوآیند فرهنگی (بازدارنده یا پیش‌برنده)؛ که در افق زمانی تحت مطالعه سیاستگذاری فرهنگی و آینده‌نگاری فرهنگی را پشتیبانی می‌نماید».

۲. روش پژوهش

به منظور ارائه چارچوب ریخت‌شناسانه دیده‌بانی فرهنگی، استفاده از روش کیفی ریخت‌شناسی (پارامترها و ارزش‌های هر پارامتر) مد نظر قرار گرفته است. واژه ریخت‌شناسی برگرفته از یونان باستان (morphé) و به معنی شکل و فرم است. بنابراین ریخت‌شناسی مطالعه شکل و ترتیب بخش‌هایی از یک آبژه و چگونگی تطبیق آن‌ها برای ایجاد یک کل یا گشتالت است. آبژه‌ها می‌تواند فیزیکی (مانند یک ارگانیسم، آناتومی، جغرافیا و محیط زیست) یا ذهنی (مانند اشکال کلمه، مفاهیم یا سیستم‌های ایده‌ها) باشد (Ritchey, 2002). اخیراً تجزیه و تحلیل ریخت‌شناسانه، به وسیله شماری از محققان در

ایالات متحده امریکا و اروپا در حوزه آینده پژوهی به کار گرفته شده است. همچنین ریخت شناسی در طراحی سیستم‌های دیده‌بانی نیز به کار گرفته شده است، به طور مثال کانری^۱ (۲۰۱۲) در طراحی سیستم افق پویی برای سیاستگذاری امنیت ملی استرالیا از روش ریخت شناسی استفاده کرده است. از جمله کاربردهای این تکنیک، بصری کردن تحلیل‌ها می‌باشد (حاجیان، ۱۳۹۱).

بر اساس تحلیل ریخت‌شناسانه مبحث مورد نظر از جهت ابعاد و وضعیت‌های آن‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. تجزیه و تحلیل ریخت‌شناسانه یک روش عمومی برای ساختاردهی و تحلیل موضوعات و مسائل پیچیده است که غیر کمی بوده و نمی‌تواند به طور علی مدلسازی یا شبیه‌سازی شود و نیازمند رویکرد قضاوتی است. پیشگام آن فرتز زوئیک^۲ (۱۹۶۶، ۱۹۶۹)، در انجمن فناوری کالیفرنیا، در دهه‌های ۱۹۳۰ و ۴۰ بوده است. تجزیه و تحلیل ریخت‌شناسی به جای تأکید بر روابط علی و یک ساختار سلسله مراتبی، بر فضای پارامترها و وضعیت‌های آن‌ها تأکید دارد. تجزیه و تحلیل با شناسایی و تعریف پارامترها و مهم‌ترین ابعاد موضوع که باید بررسی شوند، آغاز می‌شود و سپس دامنه‌ای از ارزش‌ها یا شرایط برای هر یک از ابعاد ارائه می‌شود و در مجموع متغیرها و پارامترهای مسئله‌ایی که باید ساختاردهی شود را ایجاد می‌کند (Ritchey, 2013). روش ریخت‌شناسی بایستی فرایندمحور و گروه‌محور باشد؛ یک گروه کوچک از متخصصان موضوع مورد نیاز است که نباید بیش از ۵ تا ۷ نفر باشد. در حالت ایده‌آل گروه باید ناهمگن باشد تا جنبه‌های مختلف موضوع را ارائه کند (Ritchey, 2002). به این نکته باید توجه داشت که در این تکنیک، جهت و علیت موضوعیت ندارد؛ یک راه حل یا وضعیت خاص برای مجموعه مسئله با انتخاب ارزش از هر یک از متغیرها طراحی می‌شود و مدل ریخت‌شناسانه حاصل در فرایندی تعاملی، یک مدل استنتاجی منعطف و غیر کمی خواهد شد که در آن هر پارامتر می‌تواند به عنوان یک پیشران یا متغیر مستقل به کار گرفته شود و هر وضعیت می‌تواند ورودی یا خروجی باشد (Ritchey, 2013).

در پژوهش حاضر، تجزیه و تحلیل ریخت‌شناسانه دیده‌بانی فرهنگی (احصاء پارامترها و ارزش‌ها) با روش ریخت‌شناسی پس از مرور ادبیات (متن کاوی) و تشکیل گروه خبره ۵ نفره انجام شده و نتایج حاصل در ادامه تشریح شده است. لازم به ذکر است فرآیند ممیزی

1. Connery

2. Fritz Zwicky

پژوهشی حین انجام پژوهش و ذیل نظرات خبرگان، دقت علمی را تضمین نموده است.

۳. یافته‌های پژوهش

پارامترهای دیده‌بانی فرهنگی با استفاده از روش ریخت‌شناسی، در دو دسته پارامترهای «قالب» و پارامترهای «محتوا و کارکرد» قرار گرفته‌اند. پارامترهای احصاء شده آنچه را که کاربران و تصمیم‌گیران برای اجرای دیده‌بانی فرهنگی باید مورد ملاحظه قرار دهند، ارائه می‌دهد. به منظور اینکه پوشش جامعی از اینکه هر پارامتر در دیده‌بانی فرهنگی چگونه می‌تواند اجرا شود، صورت گیرد؛ برای هر پارامتر، وضعیت‌های مربوطه شناسایی شده است. پارامترهای کارکردی هدف، بافتار و خروجی‌های مورد انتظار دیده‌بانی فرهنگی و پارامترهای قالب، گزینه‌هایی را برای اجرای فرایند دیده‌بانی فرهنگی ارائه می‌دهند. به طور کلی پارامترهای کارکردی تا حدی بر انتخاب وضعیت‌های پارامترهای قالب تأثیر گذارند. وضعیت‌های انتخاب شده هر پارامتر با هدف آگاهی‌بخشی از گزینه‌های مناسب برای اجرای فرایند دیده‌بانی فرهنگی انتخاب شده‌اند و بدین معنی است که برخی از گزینه‌ها، بسته به اقتضائات و شرایط اجرای فرایند، انتخاب و برخی در فرایند دیده‌بانی فرهنگی توسط کاربران و سیاست‌گذاران انتخاب نخواهد شد. در شکل (۴) چارچوب ریخت‌شناسانه دیده‌بانی فرهنگی ارائه شده است. پارامترها و وضعیت‌های هر پارامتر در ادامه تبیین شده است.

پارامترهای محتوا و کارکرد. پارامتر «الف» زمینه ریخت‌شناسانه، سطوح فرهنگ است. طبق نقشه مهندسی فرهنگی کشور (۱۳۹۲)، فرهنگ شامل سه سطح «فرهنگ ملی (اسلامی - ایرانی)»، «فرهنگ عمومی» و «فرهنگ حرفه‌ای» است، که ارزش‌های بعد مذکور می‌باشند. عناصر نظام‌واره فرهنگ، پارامتر «ب» می‌باشد، همانگونه که در بخش‌های پیشین با بررسی دیدگاه اندیشمندان بحث شد، این بعد دارای سه وضعیت «باورها و عقاید اساسی»، «ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری» و «نمادها و مصنوعات» می‌باشد. از آنجا که گستره فعالیت دیده‌بانی فرهنگی، کلیه حوزه‌های نظام اجتماعی نظیر اقتصاد، فرهنگ، سیاست، اجتماع و نظایر آن را شامل می‌شود (بی‌نام، ۱۳۸۴)، لذا پارامتر «ج» با عنوان بافتار و ابعاد جامعه است که دیده‌بانی فرهنگی بایستی تعامل و تأثیر و تأثر این ابعاد با یکدیگر را مورد توجه قرار دهد (رشاد، ۱۳۸۵)، وضعیت‌های این پارامتر شامل «فرهنگ»، «سیاست»، «اقتصاد» و «اجتماع» و نظایر آن می‌باشد. در یک نظام اجتماعی

حوزه فرهنگ در حال تبادل با سایر حوزه‌ها نظیر سیاست، اقتصاد و اجتماع می‌باشد و دیده‌بانی فرهنگی نمی‌تواند در فرآیندی محدود در بخش فرهنگ باشد و ارتباط دو سویه‌ای با سایر مسایل جامعه دارد (نگاهداری، ۱۳۸۵). نکته بارز در گفتمان چرخش فرهنگی، تعاملی است که فرهنگ با سایر ابعاد جامعه مثل سیاست، اقتصاد، اجتماع و سایر ابعاد پیدا کرده است (عنبری، ۱۳۹۰). با توجه به تعامل فرهنگ با سایر ابعاد جامعه، دیده‌بانی فرهنگی باید محیط‌های مختلف را به منظور پویش نشانه‌های تحولات فرهنگی مد نظر قرار دهد. پارامتر «د»، وضعیت‌های «ابعاد و مولفه‌های دیده‌بانی فرهنگی» را در دو بخش «نشانه‌های تحولات مهم بالقوه فرهنگی» و «مولفه‌ها و شاخص‌های فرهنگی» ارائه می‌دهد. با بهره‌گیری از ادبیات تحقیق، ارزش‌های پارامتر مذکور در بخش نشانه‌های تحولات فرهنگی شامل علائم ضعیف، روندها، پیشران‌ها، اعوجاج‌ها، رویدادها و شگفتی‌سازها و مسائل می‌باشد. هم‌چنین بخش مولفه‌ها و شاخص‌های فرهنگی شامل چهار وضعیت دینی، ملی، مدنی و عقلانی است (عنبری، ۱۳۹۰). به طور کلی در ادبیات پژوهش، عدم قطعیت‌های کلیدی، موضوعات نوآیند، چالش‌های سیاسی، تأمین نیازهای اطلاعاتی (Cuhls et al., 2015) و ارائه اطلاعات به طیفی متنوع از ذی‌نفعان (Van Rij, 2008) گزارش‌ها، و خلاصه خط مشی و سناریوها (Habegger, 2009) به عنوان محصولات دیده‌بانی ذکر شده‌اند. به‌زعم کانری (۲۰۱۲)، برخی از دیده‌بانی برای توسعه سناریوهایی پیرامون آینده استفاده می‌کنند که می‌تواند باعث «گفتگوهای استراتژیک» درباره تهدیدها و فرصت‌های احتمالی شود. ضمناً موضوعات نوآیند فرصت‌ها و تهدیدهایی را به همراه دارند (Van Rij, 2012). بنابراین فرصت‌ها و تهدیدها را نیز می‌توان از محصولات دیده‌بانی قلمداد کرد. با توجه به موارد فوق می‌توان پارامتر «محصولات یا خروجی‌ها» در زمینه ریخت‌شناسانه را شامل وضعیت‌های «موضوعات نوآیند فرهنگی»، «فرصت‌ها و تهدیدهای فرهنگی»، «عدم قطعیت‌ها و سناریوهای فرهنگی»، «مسائل فرهنگی» و «پایگاه داده و گزارش‌های اطلاعاتی مود نیاز» دانست. آخرین پارامتر مربوط به این بخش، مربوط به کارکرد دیده‌بانی فرهنگی است؛ برای فعالیت‌های دیده‌بانی به کارکردهای آینده‌نگاری (بی‌نام، ۱۳۸۴; Bengston, 2013; Bishop, 2009; Habegger, 2009; Van Rij, 2008)، تصمیم‌گیری (Konkola et al, 2012; Butter et al., 2010; Van Der Heijden, 2005)، و سیاست‌گذاری (Lesca, 2014) و سیاست‌گذاری (بی‌نام، ۱۳۸۴; Bengston, 2013; Sutherland et al, 2010, 2011; Van Rij, 2008, 2010a, 2010b; Lesca

Amanatidou et al., 2012; Habegger, 2009, Van Rij, 2008, 2010a, 2010b; Saritas & Miles, 2012) به طور مستقیم یا غیر مستقیم اشاره شده است. بنابراین می‌توان گفت دو کارکرد عمده دیده‌بانی فرهنگی، پشتیبانی از «آینده‌نگاری فرهنگی» و «تصمیم‌گیری و سیاستگذاری فرهنگی» است. پارامتر «و» وضعیت‌های مذکور را در قالب «کارکرد پشتیبانی» نشان می‌دهند.

پارامترهای قالب. با توجه به کارکردهای پشتیبانی، دیده‌بانی فرهنگی می‌تواند به عنوان جزئی از فرایند آینده‌نگاری (Miles & Saritas, 2012; Major et al., 2001; Bishop, 2009; EFFLAa 2013) و هم‌چنین به عنوان فعالیتی مستقل و ابزار سیاستگذاری (Habegger, 2009; Aguilar, 1967; Choo, 2001; Da Costa et al, 2008) قلمداد شود. پارامترهای «و» تحت عنوان «نحوه انجام» به وضعیت‌های بعد مذکور اشاره دارد. پارامتر «ح» بیان‌کننده گام‌های اصلی دیده‌بانی فرهنگی است. فازهای اصلی دیده‌بانی فرهنگی را می‌توان شامل دو فعالیت «پویش» و «پایش» در نظر گرفت که در وضعیت‌های پارامتر «ح» ذکر شده‌اند. «دامنه و گستره پویش» پارامتر بعدی است، بر مبنای اهداف مد نظر و انتخاب‌های موجود در پارامترهای محتوا از جمله سطوح، عناصر، مولفه‌ها، بافتار و ... فعالیت‌های دیده‌بانی می‌توانند دامنه‌ای با سه وضعیت «گسترده یا کلی»، «متمرکز یا محدود» و «ترکیبی» داشته باشند؛ در واقع گستره پویش می‌تواند با تمرکز بر یک دامنه خاص، کاوش محدود اطلاعات در یک حوزه خاص را مد نظر داشته باشد و یا «جامع، کاملاً باز و اکتشافی» برای حصول نگرشی کلی (Cuhls et al, 2015; Bengston, 2012) یا ترکیبی از این دو باشد. رویکردهای «موضوع محور» و «اکتشافی» وضعیت‌های پارامتر دهم را شکل می‌دهند. لازم به ذکر است به لحاظ مفهومی و با توجه به نیازها، دیده‌بانی هم مشتمل بر وجه انفعالی «پاییدن» اطلاعات (پایش و رصد) و هم شامل وجه فعال‌تر «به دنبال» اطلاعات بودن (جستجو) می‌باشد (Habegger, 2009). بدین جهت در دیده‌بانی دو رویکرد اکتشافی و موضوع محور از یکدیگر تمیز داده شده‌اند که زیربنای فرآیند دیده‌بانی را تشکیل می‌دهند (Amanatidou et al, 2012). پویش فرآیند کنکاش برای روندها و موضوعات نوآیند بوده و باید شامل توازن در پویش «اکتشافی» (کنکاش گسترده در حوزه‌های ناآشنا برای ارایه تصویری بزرگ) و پویش «استخراجی» و «پایش موضوع محور» (کنکاش در حوزه‌های عمیق‌تر خوب تعریف شده یا آشنا) باشد (Day and Schoemaker, 2006). پویش و پایش که گام‌های اصلی فرایند دیده‌بانی فرهنگی می‌باشند می‌توانند به

طور «مستمر» (Habegger, 2009; Connery, 2012; Bengston, 2013)، «دوره‌ای» (Habegger, 2009; Connery, 2012; Bengston, 2012) و «ویژه (مبتنی بر نیاز و مطالبه) و نامنظم» (Habegger, 2009; Connery, 2012) انجام گیرند. وضعیت‌های فوق ذیل پارامتر «ک» با عنوان «تناوب انجام» قرار گرفته‌اند. افق زمانی پارامتر دیگر زمینه ریخت‌شناسانه دیده‌بانی فرهنگی است. افق زمانی انجام دیده‌بانی بسته به اهداف و تناوب انجام آن و با توجه به فازهای پویا یا پایش مختلف است در واقع ارائه خروجی‌های دیده‌بانی می‌تواند با توجه به وضعیت‌های «بلند مدت (تر)» (Habegger, 2009; Cuhls et al, 2015; Babbage, 2008)، «میان مدت» (Habegger, 2009; Cuhls et al, 2015)، «کوتاه مدت» (Cuhls et al, 2015) و «ترکیبی یا چند گانه» (Bengston, 2013) صورت گیرد. وضعیت‌های پارامتر «منابع» به طور کلی در سه دسته منابع انسانی (مانند بهره‌گیری از شبکه‌های متخصصان)، متنی (مانند روزنامه‌ها، کتاب‌ها، مقالات) و برخط (مانند اینترنت و پایگاه داده‌های برخط) جای دارند. بسته به موضوع و محیط تحت بررسی می‌توان از منابع مناسب استفاده نمود (Hiltunen, 2008b). برای پارامتر «روش‌های کلی دیده‌بانی فرهنگی»، سه «وضعیت مشارکتی نیمه خوکار»، «غیر مشارکتی نیمه خوکار» و «ترکیبی دستی» متصور است (Amanatidou et al, 2012). در نهایت پارامتر «گ» مربوط به کاربر یا نهاد مسئول دیده‌بانی فرهنگی می‌باشد، که با توجه توضیحات ارائه شده در بخش‌های قبلی، دارای دو وضعیت «سازمان فرهنگ محور سیاستگذار» و «سازمان فرهنگ محور ناظر» می‌باشد.

شکل ۲: چارچوب ریخت‌شناسانه دیده‌بانی فرهنگی (خلق بدیل‌ها: پارامترها و وضعیت‌ها)



پارامترهای محتوا و کارکرد

پارامترهای قالب

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

فرهنگ ایرانی اسلامی، از مزیت‌های راهبردی، انحصاری و سرنوشت‌ساز جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که مراقبت از آن به واسطه تهاجم فرهنگی و نیز رویدادهای تأثیرگذار بر فرهنگ ضروری می‌نماید؛ در جمهوری اسلامی ایران به عنوان محصول انقلاب اسلامی و ارائه دهنده الگویی جدید از شکل حکومت و اداره امور جامعه و ارمغان‌آور نسخه نوین فرهنگ ایرانی اسلامی لازم است عوامل پیش‌برنده و بازدارنده تأثیرگذار بر فرهنگ، دیده‌بانی شوند تا تصحیحات و تغییرات و سیاست‌گذاری‌ها به موقع و در هنگام مقتضی صورت گیرد. نائل شدن به این مهم نیازمند تدبیر و اقدام به هنگام در خصوص موضوعات نوظهور و مسائل فرهنگی توسط متولیان امر است؛ در این راستا یکی از مفاهیمی که در گفتمان مدیریت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران پدیدار گشته رصد فرهنگی است. این مفهوم در جمهوری اسلامی ایران با چالش‌هایی در عرصه نظر و عمل همراه بوده است؛ اساسی‌ترین چالش، بعد و دوری آن از مفاهیم آینده‌پژوهی و هم‌چنین محدود شدن به «انجام پایش وضع موجود فرهنگ» است؛ در حالی مفهوم رصد از بطن فعالیت‌های آینده‌پژوهانه پدیدار گشته و بن‌مایه آینده‌پژوهی است؛ لذا در پژوهش حاضر مفاهیم دیده‌بانی در آینده‌پژوهی تشریح و مولفه‌های آن مورد بحث و بررسی قرار گرفت. مبانی و مختصات فرهنگ در جمهوری اسلامی ایران بیان گردید و پس از مروری بر اهداف و حیطه فعالیت رصدخانه‌های فرهنگی در جهان، دیده‌بانی فرهنگی با کاربرست مفاهیم آینده‌پژوهی، تعریف گردید. به منظور شناخت ابعاد و شقوق دیده‌بانی فرهنگی، چارچوب ریخت‌شناسانه دیده‌بانی فرهنگی با استفاده از کاوش ادبیات و روش ریخت‌شناسی تنظیم شد که پشتیبان فرایند اجرایی دیده‌بانی فرهنگی است.

اگر محتوا (ماهیت و چیستی) و فرایند (چگونگی) را دو بعد دیده‌بانی قلمداد کنیم، آنچه در پژوهش مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت، ناظر بر ماهیت و محتوای دیده‌بانی فرهنگی بود؛ با ساختاردهی مفهومی صورت گرفته بستری به منظور «پویش نشانه‌های تحولات فرهنگی»، «شناسایی بهنگام موضوعات پیش‌برنده و بازدارنده فرهنگی»، «پایش و مسأله‌شناسی فرهنگی» و «پشتیبانی از آینده‌نگاری و سیاست‌گذاری فرهنگی» فراهم می‌شود. در واقع تحلیل ریخت‌شناسانه برای شناسایی مسیرهای بالقوه برای انجام دیده‌بانی فرهنگی، گزینه‌هایی را (بر اساس پارامترها و ارزش‌ها) شناسایی می‌کند؛ یک مدل مناسب برای

انجام دیده‌بانی فرهنگی به اهداف، نیازها و انتخاب‌هایی توسط کاربران آن بستگی دارد و احتمال‌های مختلفی وجود دارد که در شروع فرایند دیده‌بانی بایستی مد نظر قرار گیرد. در فرایند انجام دیده‌بانی فرهنگی این امکان وجود دارد که کاربران، توجه به همه پارامترها و ارزش‌ها را نیاز نداشته باشند. زمینه ریخت‌شناسانه دیده‌بانی فرهنگی بستری برای فعالیت‌های دیده‌بانی فرهنگی فراهم می‌کند تا سازمان‌های متولی امر فرهنگ با انتخاب از میان پارامترهای «محتوا» و «قالب» و «گزینه‌های» زمینه ریخت‌شناسانه، فرایند اجرایی مد نظر را پیش ببرند. این انتخاب‌ها از میان گزینه‌هایی که پارامترهای محتوا و کارکرد (سطوح فرهنگ، عناصر فرهنگ، بافتار پویش، ابعاد و مولفه‌های کلیدی، محصولات و خروجی‌ها و کارکرد پشتیبانی) و پارامترهای قالب (نوع انجام فعالیت، گام‌های اصلی، دامنه، رویکرد انجام، تناوب انجام، افق زمانی، منابع، روش کلی و کاربر) ارائه می‌دهند، صورت می‌گیرد. استفاده از زمینه ریخت‌شناسانه دیده‌بانی فرهنگ که با ساختاردهی و تبیین شالوده مفهومی دیده‌بانی فرهنگی و کاربرست مفاهیم آینده‌پژوهی طراحی شده است، با توجه به اینکه تأسیس مراکز و نهادهای دیده‌بانی فرهنگی در کشور به نظر رو به توسعه است ضرورت دارد. چارچوب ارائه شده در این پژوهش، با جهت‌دهی فرایند اجرایی دیده‌بانی فرهنگی و ارائه بستری شناسایی عوامل پیش‌برنده یا بازدارنده فرهنگی - جهت آمادگی و مواجهه موثر با فرصت‌ها یا تهدیدهای بالقوه - باشد و می‌تواند نگاه آینده‌پژوهانه را به فعالیت‌های دیده‌بانی نهادهای متولی امر فرهنگ تزریق کند و بر اثربخشی فعالیت‌های آن‌ها بیفزاید. دیده‌بانی فرهنگی و شناسایی عوامل بازدارنده یا پیش‌برنده شکل دهنده به فرهنگ یکی از ورودی‌های آینده‌نگاری فرهنگی به حساب می‌آید. کاربرست چارچوب ریخت‌شناسانه ارائه شده در این تحقیق توسط دستگاه‌های متولی امر فرهنگ کشور می‌تواند به آینده‌نگاری فرهنگی و به تبع آن سیاستگذاری بهنگام فرهنگی، کمک نماید.

منابع

الف) منابع فارسی

۱. براویت، جف و آندرو میلر (۱۳۸۵)، **درآمدی بر نظریه فرهنگی معاصر**، ترجمه جمال محمدی، تهران: ققنوس.
۲. بل، وندل (۱۳۹۶)، **مبانی آینده پژوهی؛ تاریخچه، اهداف و دانش** (چاپ دوم)، ترجمه تقوی و محقق، تهران: موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۳. بی نام (۱۳۸۴)، **شیوه نامه رصد فرهنگی کشور**، مصوبه جلسه ۵۷۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۴. بی نام (۱۳۹۲)، **نقشه مهندسی فرهنگی کشور**، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۵. پیروزمند، علیرضا و شیده صادقی (۱۳۸۵)، **چیستی فرهنگ و چگونگی تغییرات آن (پیش نیاز مهندسی فرهنگی)**، <http://mh.farhangolm.ir/Articles> & <http://cfu.ac.ir>.
۶. حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۱)، **مبانی، اصول و روش های آینده پژوهی**، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۷. خاشعی، وحید (۱۳۹۰)، **طراحی مدل: خط مشی گذاری فرهنگی در آموزش عالی**، تهران: دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی.
۸. رشاد، علی اکبر (۱۳۸۵)، «مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی»، **دوهفته نامه مهندسی فرهنگی**، شماره ۲.
۹. صالحی امیری، رضا و امید عظیمی دولت آبادی (۱۳۸۷)، **مبانی سیاست گذاری و برنامه ریزی فرهنگی**، پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۱۰. عظیمی، علی اکبر (۱۳۹۰)، **بازنگری دستگاه نظری آینده پژوهی در جهان بینی اسلامی**، انتظار موعود، شماره ۲۹: ۴۲-۱۱.
۱۱. عنبری، موسی (۱۳۹۰)، **تطور مفهومی رصد فرهنگی**، تهران: راه دان.
۱۲. قاسمی، حاکم (۱۳۹۵)، **امر فرهنگ: گذشته، حال، آینده**، نشست تخصصی در دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین.
۱۳. کاوسی، اشکان، بیگدلی و یوسف محمدنژاد عالی زمینی (۱۳۸۷)، **بررسی واگذاری فعالیت های فرهنگی به بخش غیردولتی و ارائه راهکار مناسب با توجه به برنامه سوم و چهارم توسعه**، پژوهشنامه ۳۱، مجموعه مقالات برنامه ریزی فرهنگی (۲)، پژوهشکده تحقیقات راهبردی.
۱۴. کشاورز ترک، عین الله (۱۳۹۴)، «طراحی سناریوهای تهدیدات نوظهور فرهنگی انقلاب اسلامی بر مبنای روش عدم قطعیت بحرانی»، **پژوهشنامه انقلاب اسلامی**، سال چهارم، شمار ۳: ۲۰-۱.
۱۵. گوردون، کریستوفر و سایمون ماندی (۱۳۸۳)، **دیدگاه های اروپایی سیاست فرهنگی**، ترجمه هادی غبرایی، دفتر پژوهش های فرهنگی.
۱۶. لیندگرن، ماتس و هانس باند هولند (۱۳۸۶)، **طراحی سناریو، پیوند بین آینده و راهبرد**، ترجمه عزیز تاتاری، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
۱۷. مقتدایی، عباس (۱۳۸۷)، «فرهنگ و رصد فرهنگی؛ پیشنهاد طرح اجرایی رصد فرهنگی در اصفهان».

- فرهنگ اصفهان**، شماره‌های ۴۱ و ۴۲: ۱۶-۵.
۱۸. ملکی‌فر، عقیل (۱۳۸۶)، **الفبای آینده‌پژوهی**، تهران: اندیشکده صنعت و فناوری.
۱۹. منزوی، مسعود، علی‌آقا سرجه‌پیم (۱۳۸۶) «محیط‌شناسی راهبردی بر اساس روش تحلیل روند و مدل STEEPV»، **نگرش راهبردی**، شماره ۸۵ و ۸۶: ۲۲-۹.
۲۰. مولایی، محمد مهدی، حامد طالبیان و زینب مولایی (۱۳۹۴)، **ارائه چارچوب دسته‌بندی موضوعی برای دیده‌بانی ملی و پوشش محیط کلان ایران**، اولین کنفرانس ملی علوم مدیریت نوین و برنامه‌ریزی پایدار ایران، تهران: موسسه آموزش عالی مهراروند.
۲۱. نگاهداری، بابک (۱۳۸۵)، **رصد فرهنگی؛ ابعاد و راهکارها، ماهنامه علمی تخصصی صدای جمهوری اسلامی ایران**، سال دهم، شماره ۵۷: ۸۷-۷۶.
۲۲. ولی‌وند زمانی، حسین (۱۳۸۶)، **مطالعات اولیه فرایند آینده‌نگاری و انتخاب روش‌های مورد نیاز**، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری‌های دفاعی.

ب) منابع لاتین

1. Aguilar, F. J. (1967), *Scanning the Business Environment*. New York: McMillan.
2. Amanatidou, E. Butter, M. Carabias, V. (2012), "On concepts and methods in horizon scanning: Lessons from initiating policy dialogues on emerging issues", *Science and Public Policy*, Vol.39, No.2: 208-221.
3. Amanatidou, E., Butter, M., Carabias, V., Konnola, T., Leis, M., Saritas, O., Schaper-Rinke, P., van Rij, V. (2011) *On Concepts and Methods in Horizon Scanning: Lessons from Initiating Policy Dialogues on Emerging Issues*, Fourth International Seville Conference on Future-Oriented Technology Analysis (FTA) FTA and Grand Societal Challenges – Shaping and Driving Structural and Systemic Transformations, SEVILLE, 12-13 MAY.
4. Ansoff, H. I. (1975), "Managing strategic surprise by response to weak signals", *California management review*, Vol.18, No.2: 21-33.
5. Babbage, R. (2008) *Strategic Decision-Making: Optimising Australia's National Security Planning and Coordination for 2015*, Canberra, Kokoda Foundation.
6. Bell, W. (2003), *Foundations of Futures Studies* (2th ed). New Jersey: Transaction Publishers.
7. Bengston, D. N. (2013), Horizon scanning for environmental foresight: A review of issues and approaches, *Gen. Tech. Rep. NRS-121. Newtown Square, PA: US Department of Agriculture, Forest Service, Northern Research Station*, Vol.20, No.121, 1-20.

8. Butter, M. Leis, M. Cagnin, C. Carabias, V. Könnölä, T. van Rij, V. ... & Harper, J. C. (2010), Scanning for Early Recognition of Emerging Issues, ***Dealing with the Unexpected***.
9. Choo, C. W. (2001), "Environmental scanning as information seeking and organizational learning", ***Information research***, Vol.7, No.1: 7-1.
10. Choo, C. W. (2002), ***Information management for the intelligent organization: the art of scanning the environment***, Information Today, Inc.
11. Connery, D. (1999), "Horizon Scanning: Bringing strategic insight to national", ***Information Science***, Vol.21, No.24.
12. Cuhls, K., Erdmann, L., Warnke, P., Toivanen, H., Toivanen, M., van der Giessen, A. M., & Seiffert, L. (2015), ***Models of horizon scanning. How to integrate horizon scanning into European research and innovation policies***.
13. Da Costa, O. Warnke, P. Cagnin, C. & Scapolo, F. (2008), "The impact of foresight on policy-making: insights from the FORLEARN mutual learning process", ***Technology Analysis & Strategic Management***, Vol.20. No.3: 369-387.
14. Day, G. S. & Schoemaker, P. J. (2006), ***Peripheral vision: Detecting the weak signals that will make or break your company***, Harvard Business Press.
15. DEFRA (2002), ***Defra's Horizon Scanning Strategy for Science***, Science Directorate, Defra Science Strategy Team. Department for Environment, Food and Rural Affairs.
16. Delaney, K., & Osborne, L. (2013), "Public sector horizon scanning-stocktake of the Australasian joint agencies scanning network", ***Journal of Futures Studies***, Vol.17, No.4: 55-70.
17. Draeger, D. (2011) ***Environmental & Horizon Scanning***, <https://aiglatsonforesight.com/2011/05/10/environmental-horizon-scanning>.
18. European Forum for Forward-looking Activities (EFFLAa): EFFLA POLICY BRIEF 2. ***How to design a European foresight process that contributes to a European challenge driven R&I strategy process***, Brussels 2013; http://ec.europa.eu/research/innovation-union/index_en.cfm?pg=former-expertgroups.
19. FAO of the United Nations (2013), ***Horizon Scanning and Foresight an Overview of Approaches and Possible Applications in Food Safety***. Background paper 2 FAO Early Warning/Rapid Alert and Horizon Scanning Food Safety Technical Workshop, Rome, 22-25 October.
20. Fellman L, et al. (2010), "A horizon scan of global conservation issues for

- 2010”, *Trends Ecol E*, Vol. 25, No.1: 1–7.
21. Gordon, A. (2008), *Future savvy: Identifying trends to make better decisions, manage uncertainty, and profit from change*, AMACOM Div American Mgmt Assn.
22. Habegger, B. (2009), Horizon scanning in government: Concept, country experiences, and models for Switzerland, *Center for Security Studies (CSS)*, ETH Zurich.
23. Hiltunen, E. (2006), “Was it a wild card or just our blindness to gradual change”, *Journal of Futures Studies*, Vol.11, No.2: 61-74.
24. Hiltunen, E. (2008), “Good sources of weak signals: a global study of where futurists look for weak signals”, *Journal of Futures Studies*, Vol.12, No.4: 21-44.
25. Hiltunen, E. (2008), “The future sign and its three dimensions, *Futures*, Vol.40, No.3: 247-260.
26. Horton, A. (1999), “A Simple Guide to Successful Foresight”, *Foresight*, Vol.1, Issue:1: 15–9.
27. Konnola, T. Salo, A. Cagnin, C. Carabias, V. and Vilkkumaa, E. (2012), “Facing the Future: Scanning, Synthesizing and Sense-Making in Horizon Scanning”, *Science and Public Policy*, Vol.39, No. 2, 222-231.
28. Kuosa, T. (2010), “Futures signals sense-making framework (FSSF): A start-up tool to analyse and categorise weak signals, wild cards, drivers, trends and other types of information”, *Futures*, Vol.42, No.1: 42-48.
29. Lavoix, H. (2012). Horizon scanning and monitoring: Definition and practice, *The Red (Team) Analysis Society*. Retrieved at February, 20, 2016.
30. Lesca, H. & Lesca, N. (2014), *Strategic decisions and weak signals: anticipation for decision-making*, John Wiley & Sons.
31. Major, E. Asch, D. & Cordey-Hayes, M. (2001), “Foresight as a core competence”, *Futures*, Vol.44, No.3: 91-107.
32. Mannermaa, M. (1999), *Toolbox and weak signals* (in Finnish), Futura 2.
33. Mendonça, S. Cardoso, G. & Caraça, J. (2012), “The strategic strength of weak signal analysis”, *Futures*, Vol.44, No.3: 218-228.
34. Mendonça, S. e Cunha, M. P. Kaivo-Oja, J. & Ruff, F. (2004), “Wild cards, weak signals and organisational improvisation”, *Futures*, Vol.36, No.2: 201-218.
35. Mendonça, S. e Cunha, M. P. Ruff, F. & Kaivo-oja, J. (2009), “Venturing into the wilderness: Preparing for wild cards in the civil aircraft and asset-

- management industries”, *Long Range Planning*, Vol.42, No.1: 23-41.
36. Miles, L. & Saritas, O. (2012), “The Depth of the Horizon: Searching, Scanning and Widening Horizons”, *Foresight*, Vol.14: No.6: 530- 545.
 37. Ortega, C. (2008), Results of the research conducted for the PhD dissertation, University of Deusto (Bilbao, Spain) were presented at the conference of the **Cultural Observatories and Cultural Information and Knowledge** working group attached to ENCATC, Qouted by Plebańczyk, k. (2014).
 - 38 Petersen, J. & Steinmueller, K. (2009), *Wild cards*, In: Glenn, J.C. & Gordon, T.J. Futures research methodology-version 3.0 Washington, DC: The Millennium Project.
 39. Plebańczyk, K. (2014), “THE IDEA OF CULTURE OBSERVATORIES-OVERVIEW”, *Acta Academiae Artium Vilnensis*, Vol.72: 169-180.
 40. Ritchey, T. (2002), Modelling complex socio-technical systems using morphological analysis, *Adapted from an address to the Swedish Parliamentary IT Commission*, Stockholm.
 41. Ritchey, T. (2013) *General Morphological Analysis, A general method for non-quantified modelling*. Swedish Morphological Society.
 42. Saritas, O. & Smith, J. E. (2011), “The big picture–trends, drivers, wild cards, discontinuities and weak signals, *Futures*, Vol.43, No.3: 292-312.
 43. Saritas, O. Miles, I. (2012), “Scan-4-Light: A Searchlight Function Horizon Scanning And Trend Monitoring Project”, *Foresight*, Vol.14, Issue.6: 489-510.
 44. Schein, E. H. (2004), *Organizational Culture and LeaderShip* (3rd Edition), Jossey-Bass, A Wiley Imprint.
 45. Schultz, Wendy L. (2006), “The Cultural Contradictions of Managing Change: Using Horizon Scanning in an Evidence-Based Policy Context”, *Foresight*, Vol.8, No.4: 3-12.
 46. Shaffer, M. S. (2008), *Public Culture: Diversity, Democracy and Community in the United States*, Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
 47. Slaughter, R.A. (1999), *Futures for the Third Millennium: Enabling the Forward View*, Sydney, Australia: Prospect Media.
 48. Sutherland WJ, Bardsley S, Bennun L, Clout M, Côté IM, Depledge MH, et al. (2011), “Horizon scan of global conservation issues for 2011”, *Trends Ecol E*, Vol 26, No.1: 6–10.
 49. Van Der Heijden, K. (2005), *Scenarios: The Art of Strategic Conversation*, John

Wiley and Sons.

50. Van Rij, V. (2008), "Joint Horizon Scanning: Identifying Common Strategic Choices and Questions for Knowledge", in *Science and Public Policy*, Vol. 37, No.1: 7-18.
51. Van Rij, V. (2011), *Wild cards as future shakers and shapers*, The 4th International Seville Conference on Future-Oriented Technology Analysis (FTA): 12 & 13 May.
52. Van Rij, V. (2012), "New Emerging Issues and Wild Cards as Future Shakers and Shapers", *Foresight*, Vol.6. No.1: 60-73.